



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

۱۳۷

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

۳ فوریه ۲۰۱۰ - ۱۴ بهمن ۱۳۸۸ e.mail: siavash\_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود سردبیر: سیاوش دانشور



## "بحران بانکی" رژیم اسلامی

صفحه ۳

علی جوادی



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور



## دریوزگی تا چه حد؟

خاتم عبادی! مواظب باشید سنگ ها بسوی شما پرتاپ نشود!

صفحه ۵

آذر ماجدی

## نه زندان نه اعدام شعار محوری امروز



## زنان؛ کدام راه حل؟ کدام جنبش؟

صفحه ۸

پروین کابلی



## منجمد کردن حسابهای بانکی سران رژیم اسلامی

نامه به سفیر سوئیس در کانادا

صفحه ۹

هما ارجمند

## زنان در منگنه اسلام و مردسالاری

صفحه ۱۰

مژده امیدوار

## اعتصاب و تحصن کارگران اندیمشک

## پخش بیانیه ۲۲ بهمن حزب در تهران

در صفحات دیگر؛ اخراج ۳۰۰۰ کارگر تونل میدان توحید تهران، تظاهراتهای بزرگ در مقابل زندان اوین، اجتماع اعتراضی در میدان هفت تیر، دستمزدهای پرداخت نشده هزاران کارگر پارس خودرو تهران، واگن پارس و آلومینیوم سازی اراک، اخبار و گزارشهایی از مراکز مهم کارگری، اعتصاب کارگران تولید گستر آسیا نتیجه داد، اجتماعات بمناسبت ۲۲ بهمن در لندن و استکهلم، بیانیه حزب بمناسبت سالروز ۲۲ بهمن، زنده باد شوراها، منشور آزادی و برابری و رفاه، نامه ها، ... و ستون آخر.

اجتماعات مکرر و هزاران نفره چهار روز گذشته در مقابل زندان اوین جایگاه مهمی در پیشروی مبارزه آزادیخواهانه مردم علیه حکومت مرتجع اسلامی دارد. خانواده های زندانیان سیاسی به همراه طیف وسیعی از مردم آزادیخواه در این چند روز ساعتها با روحیه بالا در مقابل زندان اوین جمع شدند و هر شب توانستند تعدادی از زندانیان را با خود به خانه ببرند. یک سوال اینست که آیا جمهوری اسلامی در آستانه ۲۲ بهمن آگاهانه در مقابل تجمعات "نرزش" نشان میدهد و تعدادی از کسانی را که بیخود دستگیر و زندانی کرده است آزاد میکند؟ تاثیر این موضوع در هر حال روی روند اوضاع و سیر مبارزه انقلابی علیه جمهوری اسلامی چیست؟

واقعیست اینست که این اجتماعات پاسخ روشنی به سیاست اعدام و غیر موثر بودن سیاستهای حکومتی است و جمهوری اسلامی را در وحشت هجوم مردم به زندانها و ارگانهای قدرت خود قرار داده است. قرار بود با سیاست اعدام و گردن زدن "محاربین و ضد انقلاب" دسته جمعی سیاست اعتدال پیش گیرند. سران جناح مغضوب هرچه به سر خامنه ای و اعتقاد به ولایت فقیه و قانون قسم خوردند و هرچه بر تبری جوئی از "ضد انقلاب" و "افراطیون" تاکید کردند، در پائین نتیجه اش عکس بود. واکنش به اعدام دو زندانی سیاسی محمد رضا علی زمانی و آرش رحمانی بسیار وسیعتر از آن بود که بتوان ارباب اعدام را آنطور که جنتی ها و خامنه ایها میخواهند راه انداخت. نفس اینکه بعد از دو هفته مبلغان سیاست اعتدال مانند فنر جمع شده مجددا سر جای اولشان برمیگردند نشان میدهد که زمان برای این نوع سیاستها گذشته است. و هر بار که

صفحه ۲

## نه زندان نه اعدام

### شعار محوری امروز ...

اینان نمیتوانند به سازش و بند و بستی برسند، شکاف و جدال درونشان عمیق تر و خرد کننده تر میشود. حکومت اسلامی در موقعیتی نیست که هم بردیف اعدام کند و هم از مردم برای سالروز "انقلاب اسلامی" دعوت کند. لفاظی ها و جنگ روانی بالائی ها را باید قلم گرفت. وضعیت واقعی حکومت و تناقضات خرد کننده اش امکان عینی چنین مانورهای را کور کرده است.

و نکته مهمتر اینست که سیاست واقعی برای در هم شکستن اختناق و تعرض حکومت، تعرض متقابل از پائین است. شکاف در بالا و جنگ درونی شان محصول اعتراض و نخواستن وضع موجود در پائین است. به این اعتبار هر تهاجم و سیاست سرکوبگرانه حکومت تنها با سیاست رادیکال و تهاجم در پائین قابل عقب راندن و به شکست کشاندن است. حکومت فرمان قتل و برپائی چوبه های دار و اعدامهای سریع و "قاطع" میدهد و هدفش منکوب کردن مردم و خانه فرستادنشان و بازسازی هیبت فرو ریخته دستگاه سرکوبش است. مردم متقابلا در مقابل یکی از مرکز ثقل قدرت و مخوف این حکومت یعنی زندان اوین وسیعا اجتماع میکنند و بدون ابهام خواستار پایان دادن به محاکمات نمایشی و صدور احکام اعدام، توقف اجرای احکام صادر شده، و آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی میشوند. خواست فوری آزادی کلیه زندانیان سیاسی و نفی اعدام سیاستی هوشیارانه و انقلابی و بموقع است و تداوم و گسترش آن ضامن شکست قطعی سیاست قمه چرخانی حکومت است.

الگوی تهران باید بسرعت در سراسر ایران اتخاذ شود. همه جا

باید دسته جمعی مقابل زندانها رفت و آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و متوقف کردن احکام صادره را فریاد زد. هدف سیاست اعدام و بگیر و ببند ارباب جامعه است و پاسخ سراسر است و روشن آن نفی مجازات اعدام و بیرون کشیدن زندانیان سیاسی از چنگال این حکومت آدمکش است. این سیاست وحدت و همبستگی مردم آزادیخواه در ابعاد وسیع را تامین میکند و برخلاف سیاستی که زندانیان را با مارک قومی و ملی و مذهبی قصابی میکند و بین زندانیان سیاسی و خانواده هایشان تفرقه می اندازد، سیاستی عمیقا پیشرو و آزادیخواهانه است.

جمهوری اسلامی در آستانه ۲۲ بهمن روی لبه تیغ راه میرود. هر حماقتی باعث میشود که اوضاع تماما از دستش در رود. هم مایلند بشدت بکوبند و هم از مردمی که کوتاه نمی آیند عمیقا وحشت زده اند. هیچ بعید نیست خامنه ای به مناسبت ۲۲ بهمن "عفو ملوکانه" برای تعدادی از زندانیان صادر کند تا شاید از آن بعنوان پلی برای پشت سر گذاشتن ۲۲ بهمن استفاده کند. اما جامعه در هر تحرک حکومت، چه در چهره میرغضب های اسلام و چه در چهره "رافت اسلامی" اش، قدرت خود را جستجو میکند. در پس عقب نشینی حکومتیها باید قدرت پائین را دید و همین قدرت را وسیله اتحاد و پیشروی برای تحقق آزادی و برابری و رفاه کرد.

وقت آنست شعار و مطالبه آزاداندیشانه و انقلابی نه به اعدام و نه به زندانی سیاسی و خواست فوری و بیقید و شرط آزادی کلیه زندانیان سیاسی در سراسر ایران به محور سیاست و تاکتیک مبارزه انقلابی تبدیل شود. اجتماعات مردم در تهران در مقابل زندان اوین الگوی روشن و مشروع و ممکن است که میتواند و باید در سراسر ایران اتخاذ شود. \*

## اخباری جدید از کارگران متحصن در اندیمشک دستگیری و تهدید کارگران

بنا به خبر دریافتی، دوشنبه شب دو نفر از کارگران متحصن توسط پلیس ۱۱۰ دستگیر و تا ساعت ۸ صبح سه شنبه در بازداشت بودند. پلیس به کارگران گفته چرا تجمع کردید؟! همینطور ۸ نفر از کارگران اخراج شدند. دیروز سه شنبه قرار بوده پیمانکار با شهردار ملاقات داشته باشد و طی این ملاقات شهردار به پیمانکار حقوق کارگران را بدهد اما شهردار از در پشتی شهرداری بیرون رفته است. به نظر میرسد با این اوضاع از پرداخت حقوق و عیدی و پاداش خبری نیست. از طرف دیگر حراست شهرداری و اطلاعات نیروی انتظامی از طریق نامه تعدادی از کارگران را برای ایجاد رعب و وحشت احضار کرده است.

لازم به توضیح است که حدود ۱۵۰ نفر از کارگران شهرداری اندیمشک به همراه تعدادی از مردم در روزهای شنبه، یکشنبه و دوشنبه ده تا دوازده بهمن ماه در مقابل فرمانداری و شهرداری تحصن کردند. متحصنین پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود: "۱۳ ماه گرسنگی، تاکی؟" این کارگران مدت سیزده ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. شهرداری همچنان طی این مدت حق بیمه آنها را نیز پرداخت نکرده است.

عدم پرداخت حقوق کارگران و گرسنگی دادن آگاهانه به خانواده های محروم کارگری طی ۱۳ ماه یک عمل جنایتکارانه سرمایه داران و دولت ضد کارگری اسلامی شان است. حزب از اعتراض برحق کارگران شهرداری اندیمشک حمایت میکند و مردم آزادیخواه و کارگران در شهر اندیمشک را به حمایت از آنان دعوت میکند.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۴ بهمن ۱۳۸۸ - ۳ فوریه ۲۰۱۰

## اعتراضات ضد حکومتی در تهران!

### مترو میدان هفت تیر

بنا به خبر دریافتی، عصر روز یکشنبه یازدهم بهمن ماه بیش از ۱۰۰۰ نفر از جوانان و مردم معترض در محوطه ایستگاه مترو میدان هفت تیر تهران علیه حکومت اوباش اسلامی سرمایه داران با شعارهای ضد حکومتی مرگ بر دیکتاتور دست به تجمع اعتراضی زده و در حالیکه هر لحظه بر جمعیت مردم و جوانان معترض افزوده میشد انواع پلیس ضد شورش و مزدوران بسیجی و پاسدار با عجله و وحشت خود را به محل رسانیده و با تهدید و ارباب سعی در متفرق نمودن مردم داشتند. ایستگاه مترو میدان هفت تیر تا پاسی از شب در محاصره و تحت کنترل نیروهای پلیس و لباس شخصیهای مزدور حکومتی بود. از آمار دستگیر شدگان احتمالی خبری در دست نیست.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱ فوریه ۲۰۱۰ - ۱۲ بهمن ۱۳۸۸

## "بحران بانکی" رژیم اسلامی

علی جوادی

اعمال سقف محدودیت جابجایی ۱۵ میلیون تومان در روز به بهانه "مبارزه با پولشویی" یک واکنش رژیم اسلامی به معضل ورشکستگی دو بانک بزرگ "ملی" و "ملت" است. مجلس اوباش رژیم اسلامی اعلام کرده است که "به بررسی بحران بانکی کشور می پردازد". محمود بهمنی رئیس کل بانک مرکزی وضعیت بانکهای کشور را چنین توصیف کرده است: "بانکها در شرایط فعلی سود نمی برند. ... مگر میشود با وجود ۴۸۰۰۰ میلیارد تومان مطالبه معوقه در پایان سال سود داشت؟" در برخی از شهرها مردم برای خروج حسابهای سپرده و جاری خود از این بانکها با ماموران امنیتی رژیم درگیر شده اند.

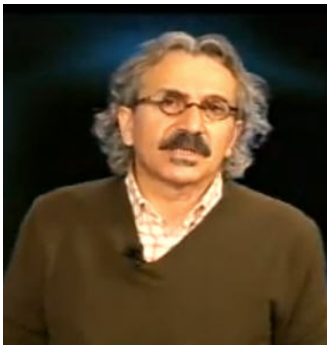
بانکهای رژیم اسلامی هم به سرنوشت خود رژیم دچار شده اند. بحران سرپای آنها را فرا گرفته است. اشاره ای کوتاه به دلایل، راه حل ها، پی آمدها و همچنین آلترناتیو ما در قبال این وضعیت ضروری است.

زمینه ها و دلایل عمومی بحران بانکی در رژیم اسلامی همان دلایل عامی هستند که وال استریت و سایر بانکهای عظیم کشورهای جهان سرمایه داری را دچار بحران و ورشکستگی کردند. قوانین عام حاکم بر حرکت بانکها در رژیم اسلامی تفاوتی با قوانین حرکت و نقش بانکها در نظام جهانی سرمایه داری ندارد. ایران یک جامعه سرمایه داری است. رژیم آدمکشان جمهوری اسلامی در راس چنین نظامی در جامعه حکومت میکند. از طرف دیگر بانکها علاوه بر تسهیل حرکت و چرخش سرمایه مانند هر نگاه دیگر سرمایه داری بمنظور استثمار نیروی کار و تولید سود و انباشت سرمایه ایجاد شده اند. و

است: "ما میخواهیم واحد پول را تغییر دهیم. ... صفرها را برداریم و ارزش ریال را واقعی کنیم. ... ارزش دلار هفت هزار تومان است و نه هزار تومان." این سیاست ها در سطح جهانی به عنوان راه حل های کلاسیک سرمایه رقابتی در مواجهه با بحران اقتصادی و مالی شناخته شده اند. نسخه ای است که هر مشاور تازه فارغ التحصیل و از راه رسیده سرمایه آنها را توصیه و تجویز میکند. سیاست ریاضت اقتصادی، تحمیل بار بحران بر دوش توده های مردم کارکن و زحمتکش نام واقعی و دیگر این آلترناتیوها است.

اما زمان و شکل بروز بحران بانکی در ایران ویژگی ها و مهر نظام و سیاستهای رژیم اسلامی را بر خود دارد. سیستم بانکی در ایران بیشتر از بسیاری از کشورهای سرمایه داری با سیستم دولتی در هم آمیخته و تنیده است. دخالت گسترده دولت در اقتصاد، تامین شرایط سودآوری و استثمار گسترده یک رکن نظام سرمایه داری ایران است. بانکها تحت پوشش و حمایت دولت قرار دارند. از مزایای دولتی بهره مند میشوند و در عین حال نیز معضلات دولت حاکم را با خود حمل میکنند و از آن تاثیر میپذیرند. در حال حاضر دولت به بانکها مبلغی معادل ۵۰ میلیارد دلار بدهکار است و به قول خودشان توان بازپرداخت آن را هم ندارد. مبلغی که بزرگترین بانکهای جهانی را هم به ورشکستگی خواهد کشاند. هیچ بانکی در چنین شرایطی بدون تزریق حجم عظیمی از سرمایه و یا چاپ اوراق بهادار و پول بدون پشتوانه قادر به بقاء نخواهند بود.

عکس العمل دولت احمدی نژاد به بحران بانکی مانند واکنش هر دولت سرمایه داری دیگری است. به راه حل های کلاسیک بورژوازی در قبال معضل بحران بانکی و بحران اقتصادی متوسل شده اند. محورهای سه گانه راه حل های کنونی ارائه شده عبارتند از: ۱- حذف سوبسیدهای دولتی، ۲- شناور کردن نرخ برابری ریال و دلار و ۳- حذف سه صفر از واحد پول کشور. احمدی نژاد اعلام کرده



قیمت کالاها و چپاول دسترنج مردم زحمتکش پیدا کرده اند.

اما اهداف رژیم اسلامی تنها محرکه های اقتصادی چنین اقداماتی نیستند. رژیم اسلامی اهداف سیاسی روشن و داده شده ای را در این چهارچوب دنبال میکند. به زانو در آوردن اقتصادی طبقه کارگر و مردم کارکن هدف دیگر چنین اقداماتی است. این سیاست در کنار سیاست سرکوب وحشیانه و کشتار و شکنجه مردم ابزاری دیگر برای حفظ و بقای رژیم آدمکشان اسلامی است. سیاستهایی که در عین حال تماما ورشکستگی و لاعلاجی خود را در مواجهه با توده های مردم به پا خورده به نمایش گذاشته اند.

بحران اقتصادی رژیم لاعلاج است. گوشه ای از بحران همه جانبه رژیمی است که از حوزه انباشت و سرمایه گذاری جهان خارج است، امکان و توان حل بحرانهای اقتصادی اش را نظر به موقعیت سیاسی خود در منطقه و جهان ندارد. در مقابل توده های مردمی قرار دارد که حکم به سرنگونی اش دادند و اکنون درگیر بزرگترین اعتراضات اجتماعی در طول سه دهه گذشته برای بزیر کشیدنش هستند. واقعیت این است که هرگونه راه حل اقتصادی و یا بهبودی عملا به پس از جمهوری اسلامی موقوف شده است. این راه حل ها میتوانند سرمایه دارانه و یا سوسیالیستی باشند. اما هرگونه راه حل بورژوازی متضمن تداوم فقر و فلاکت و محرومیت اکثریت عظیم توده های کارگر و مردم ستمدیده

**آلومینیوم سازی اراک!**

بیش از 4000 نفر از کارگران کارخانه آلومینیوم سازی اراک 4 ماه است که دستمزدهای مربوط به مهر، آبان، آذر و دیماه را دریافت نکرده اند. هر گاه که کارگران دست به اعتراض و تجمع میزنند، سرمایه داران و عواملشان فوراً قبضه‌های پرداخت نشده برق کارخانه را به کارگران نشان میدهند!

یکی از کارگران میگفت: به ما ربی نداره چقدر دزدیده و یا اختلاس کرده اید، هر غلطی کرده اید به ما ربی نداره، کار کرده ایم و دستمزدش را هم میخوایم.

کارخانه آلومینیوم سازی اراک با بیش از 4000 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای یکطرفه و سفید امضا و دستمزدهای 264 هزار تومانی در 3 شیفت 8 ساعته سنگین و پر فشار و پر خطر کاری از جمله مراکز بسیار مهم تولید آلومینیوم میباشد.

**حزب اتحاد کمونیسم کارگری**

۱۴ بهمن ۱۳۸۸ - ۳ فوریه ۲۰۱۰

## حکومت جانیان اسلامی و دستمزدهای پرداخت نشده کارگران! واگن پارس، پارس خودرو، آلومینیوم سازی

**واگن پارس اراک**

بیش از 3000 هزار نفر از کارگران کارخانه واگن سازی پارس اراک علیرغم پیگیریها و اعتراضات مداوم خود بدلیل کار شکنی و دزدی سرمایه داران و عوامل کارفرما تا این لحظه موفق به دریافت دستمزدها و مبالغ اضافه کاری خود مربوط به شش ماه گذشته یعنی ماههای: مرداد، شهریور، مهر، آبان، آذر و دیماه خود نشده اند.

اسماعیلی سرمایه دار بزرگ و مالک کارخانه بارها در برابر کارگران معترض حاضر شده و گاهی با تهدید به اخراج و ارباب و گاهی با عوام فریبی کوشیده است به طرق مختلف از پرداخت دستمزدهای معوق کارگران طرفه رود. 20 روز پیش کارگران در اعتراض به وضعیت اسفبار موجود جاده اراک - قم را بستند. در این میان عوامل حکومتی در اراک کوشیدند با وعده های دروغ و عوام فریبی کارگران را آرام نمایند اما هنوز که هنوز است خبری از پول و دستمزدها نیست. از یکسال پیش نیز پرداخت نهار، حق آکورد و سنوات کارگران را به بهانه نداریم و بازار خراب است قطع نموده اند.

کارخانه واگن سازی اراک با بیش از 3000 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای یکطرفه و سفید امضا در یک شیفت کاری از 7 صبح تا 30/3 عصر سازنده و تعمیر کننده انواع واگنهای قطار و مترو میباشد.

**پارس خودرو**

بیش از 4000 نفر از کارگران کلیه بخشهای پارس خودرو به دلیل سود جویی سرمایه داران طفیلی تا امروز دستمزدهای 3 ماه گذشته یعنی ماههای آبان، آذر و دی را دریافت ننموده اند. عوامل کارفرما میکوشند با توسل به سیاست های کهنه شده ضد کارگری همه سرمایه داران کارگران را با تهدید به اخراج و یا با وعده های دروغ به سکوت و ادامه کار تشویق نمایند. در این مدت فقط مساعده های بسیار ناچیزی پرداخت شده که برای ادامه زندگی کارگران ناکافی و بی ارزش است. یکی از کارگران میگفت: کار ما از یک طرف شرمندگی در برابر خانواده هایمان است و از طرف دیگر برای زنده ماندن باز هم با شرمندگی باید از اطرافیان قرض گرفته و بدهکار شویم.

## "بحران بانکی" رژیم اسلامی ...

است. تنها الترناتیو رهانیبخش سوسیالیسم و درهم شکستن نظام سرمایه داری و مناسبات استثمارگراییه ای است که نظام کارمزدی بر آن استوار است. و این مطلوب ترین راه پایان دادن به بیش از سه دهه حاکمیت کثیف هیولای اسلامی و نظام سرمایه داری است.

راه حل بحران بانکی رژیم اسلامی از نقطه نظر ما سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و نابودی نظام کارمزدی و استثمارگراییه و استقرار فوری یک نظام آزاد سوسیالیستی است. نظامی که هدف فعالیت اقتصادی اش نه تولید سود و انباشت سرمایه بلکه رفع نیازمندیهای متنوع و گسترده همگان است.\*

### پخش اطلاعیه حزب بمناسبت ۲۲ بهمن در تهران

بنا به خبر دریافتی، روز سه شنبه ۱۳ بهمن، یک تیم تبلیغاتی از رفقای حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تهران اقدام به توزیع بیانیه حزب در سالروز ۲۲ بهمن با عنوان؛ "نابود باد حکومت اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی" کردند.

مناطق از جمله کوچه های شرقی خیابان کارگر شمالی، امیر آباد، کوچه های شمالی و جنوبی خیابان فاطمی خصوصاً اطراف وزارت کشور، بلوار کشاورز خصوصاً وزارت کشاورزی، خیابان فلسطین منتهی به دانشگاه تهران، و نواحی ای از خیابانهای اطراف میدان انقلاب تحت پوشش تیم تبلیغاتی حزب قرار گرفت.

تیم تبلیغاتی حزب در گزارش خود تاکید کرده است که دیگر رفقای حزبی و فعالین سیاسی از پخش و توزیع در نقاطی که دوربین های امنیتی رژیم سرکویگر اسلامی نصب گردیده اند، که این نقاط عمدتاً خیابانها و مقابل بانکها و چهار راهها میباشد، خودداری و یا احتیاط لازم را بعمل بیآورند.

حزب ابتکار انقلابی همزمان کمونیست را ارج مینهد و به آنها خسته نباشید میگوید.

**حزب اتحاد کمونیسم کارگری**

۱۴ بهمن ۱۳۸۸ - ۳ فوریه ۲۰۱۰

## دریوزگی تا چه حد؟

### خانم عبادی! مواظب باشید سنگ ها بسوی شما پرتاپ نشود!

آذر ماجدی



هزار ایرانی را به خاک و خون کشید و میلیون ها مادر ایرانی را به سوگ نشاند، اما سخت تر از آن کشته شدن جوانان سرزمینمان توسط اقلیتی از هموطنانمان است و بی شک ملت ایران ناباورانه این خشونت و آتش جنگ را به نظاره نشسته اند!

با زبلی مردردانه ای تاریخ کشتار و خشونت در ایران از صدام به کشتار هشت ماه اخیر وصل شده است. گویی صد هزار اعدام در زندانهای مخوف اسلامی در دهه شصت هم کار صدام حسین بود؛ گویی سنگسارها و اعدام با جرتفیل در ملاء عام اصلا وجود نداشته است؛ گویی تجاوز دسته جمعی و اعدام فاطمه رجبی ها و سنگسار مریم ایوبی ها کار خود مردم بوده است؛ گویی زنان خود به زور بر سر خود حجاب کرده اند؛ گویی فقر و فلاکت و گرسنگی میلیونی کار خود مردم است؛ خودکشی ها و اعتیاد و فحشهای گسترده نیز از بلایای آسمانی است؛ یا شاید از نظر این رئیس "حقوق بشری" اینها خشونت محسوب نمیشود؟ سنگ جوان فلسطینی به سربازان اسرائیلی خشونت درآورد است، سنگ ها در دست زنان و مردان به جان آمده علیه اوباش بسیج اسلامی، خشونت "مرگ بارتر" است. اما سی سال بدبختی و فلاکت و تبعیض و سنگسار و سرکوب و اعدام خشونت نیست، راه و روش حکومت "عدل اسلامی" است.

"برای ما ایرانیان تحمل ناپذیر بود که ببینیم جوان فلسطینی که هموطن خود را غرق در خون میدید سنگی را به نشان نفرت به سوی دشمن

صفحه ۶

اسلامی برای حفظ نظام براه افتاده اند. اینها از سرنگونی نظام بیش از خود این نظام در هراسند.

خانم عبادی میکوشد که نه چندان زیرکانه مبارزات و خیزش اخیر مردم را مبارزه ای برای اصلاح رژیم، در چهارچوب تنگ اصلاح طلبان حکومتی و نه برای سرنگونی آن قلمداد کند: "بی شک همگان میدانند که از انتخابات تا کنون اعتراض ملت ایران، اعتراضی مسالمت آمیز، منی و قانونی بوده که به هیچ ترتیبی نمی توان آن را وارونه جلوه داد و آنچه دامنه اعتراضات مردم را گسترده و مردم را مصمم تر نموده، اقدامات یک سوپه و به دور از عدالت و انصاف برخی مسولان حکومت بوده است!" جالب اینجاست که حتی در جایی که قرار است خشونت و سرکوب نظام مورد شماتت قرار گیرد، ایشان بسیار مراقب است که نهایت ادب و احترام و "انصاف" را نسبت به این جانان رعایت کند. "اقدامات یک سوپه برخی مسولان حکومت" یکی از شاهکارهای ادبی این مشاور "بد حجاب" رژیم اسلامی است. شاید باید جایزه نوبل ادبیات ریاکارانه را نیز به ایشان اعطاء کرد.

#### تحریف و ریاکاری ملی - اسلامی

این پیام ها و موعظه های حقوق بشری در زورق ریاکاری و دروغ پیچیده شده است. خانم عبادی تاریخ سی ساله جنایت و سرکوب و خشونت این نظام را در روز روشن تحریف میکند: "کنون {مردم} ناباورانه خشونت و آتش را در خانه خویش و در بین برادران و خواهرانشان می بینند... زمانی صدام جنگ علیه ایران را آغاز کرد و صدها

شرایطی که این رژیم افسار پاره کرده و همچون اجداد اش (یعنی همان "سالاران عدالت جوی" خانم عبادی) هر که را بتواند از تیغ شمشیر میگذراند، خانم عبادی از مردم میخواهد که "خشونت" نکنند و با "صلح و صفا" با این اوباش و جانان طرف شوند. با وقاحت غیر قابل باوری این جانان را به صفت "محترم" مزین میکند و اوباش اسلامی آدمکش را "برادران بسیج و سپاه" مینامد: "ما مدافعان حقوق بشر از شما برادران سپاهی و بسیجی مردمی میخواهیم که برادران و خواهران خود را که سوگند به پاسداری آنها خورده اید، بی گناه و بی دفاع به خاک نیفکنید و مادران خود را رخت ماتم نپوشانید و بر سر مزار شهدایی دیگر نثانیید."

**خشونت اسم رمز سرنگون نکند!**  
سران جنیش سبز اسلامی، اصلاح طلبان حکومتی و پادوهای توده ای - اکثریتی آنها چنان راجع به "خشونت مردم" حرف میزنند، که گویی این مردم هستند که خشونت میکنند؛ این مردم هستند که تیر میزنند، شکنجه و تجاوز میکنند، خود را میکشند، اعدام میکنند و بخود گرسنگی و فقر و فلاکت تحمیل میکنند، سنگسار میکنند و خون براه میاندازند. وقاحت هم حدی دارد. از آن روزی که مردم شعارهای سرنگونی طلبانه یا بقول این جماعت "ساختار شکنانه" سر دادند، اینها صدها صفحه در مزمت خشونت کاغذ سیاه کرده اند. سایت هایشان پر از وضع و موعظه های کسالت آور و ریاکارانه در باب بدی خشونت است. مدام مشغول فلسفه بافی، تاریخ سازی، شعر سرودن، پیام دادن و فریبکاری و دغل بازی هستند تا شاید مردم را بقول عامیانه "از خر شیطان" سرنگونی پایین آورند. التماس و درخواست از مردم برای خشونت گریزی اسم رمز "سرنگون نکنید" است. ارکستر دریوزگان رژیم

این روزها دوران بیانیه ها و پیام ها است. هر روز یکی از این اصلاح طلبان حکومتی از حجره بیرون میخزد و بیانیه ای و پیامی خطاب به نظام و مردم صادر میکند، سپس میروود تا هنوز جوهر این یکی خشک نشده، یکی دیگر صادر کند. اوضاع با شتاب حیرت آوری جلو میروود. موسوی، خاتمی، کروبی در داخل و ۵ تن و شیرین عبادی در خارج برای نجات نظام سخت به تکاپو افتاده اند. از یک سو به درگاه "نمایندگان و مسولان محترم نظام جمهوری اسلامی ایران" استغاثه میکنند و بهر دری میزنند تا اینها را به صراط مستقیم بکشانند. از سوی دیگر با وقاحت بی نظیری میکوشند "هموطنان عزیز" شان را آرام کنند. هندوانه "حقوق بشری" زیر بغلشان بگذارند، و پیام صلح و آشتی و گل رز از جانب آنها به جانان و قاتلان حرفه ای و زنجیره ای که بر مسند این حکومت نشسته اند، تقدیم کنند. جوهر تمام این بیانیه ها و پیام ها یکسان است. رعشه و لرزه مرگ نظام از لغت به لغت آن بیرون میریزد.

خانم عبادی روز دوشنبه پیامی از جانب "کانون مدافعان حقوق بشر" خطاب به نظام "محترم و محبوب" اش و مردم صادر کرده است. با خواندن این پیام فقط میتوان به این خانم عزیر گفت، شرم تان باد! دریوزگی هم حدی دارد! در شرایطی که خانواده های زندانیان سیاسی چند روز است در مقابل زندان اوین عملا تحصن کرده اند و برای آزادی عزیزانشان رژیم را تحت فشار گذاشته اند؛ در شرایطی که این رژیم جنایتکار صدها نفر را زیر شکنجه های مخوف و ضد بشری قرار داده است، تعدادی زیر شکنجه جان باخته اند و تعدادی اعدام شده اند و تعدادی دیگر در صف اعدام در انتظار اند؛ در

## دریوزگی تا چه حد؟ ...

پرتاب کند، اما چه مرگ آور است ببینیم جوانان ایرانی از به خون غلطیدن یاران معترض و مسالمت جوی خود سنگ در مشت گره کنند. ... جوانان آگاه و وطنم! باید ممارست و مقاومت کرد و حتی در مقابل توپ و تانک و گلوله، سنگ هم در دست نگرفت. راه رسیدن به عدالت و آزادی و دموکراسی و حقوق بشر راه گل گون می طلبد نه راه پر خون."

### حقوق بشر کلاه بزرگ مدافعین نظام

در این گفته ایشان با یک تیر دست راستی دو گنجشک میزند. هم میکوشد جوانان پر شور، شجاع و انقلابی دشمن رژیم اسلامی را آرام و پاسیو کند، هم به دولت آمریکا، دولت های غرب و اسرائیل چراغ سبز نشان میدهد. ایشان ضمنا با مردردنی بازاری - آخوندی خاصی از کیسه خلیفه میبخشد. به جوانانی که دارند بدست این اوباشان جنایتکار بخاک و خون کشیده میشوند، میگوید، "مبادا از خود دفاع کنید، بگذارید هر بلایی میخواهند سرتان بیاورند، شما گل تقسیم کنید!"

حقوق بشر یک کلاه گنده ای است که قرار است سر مردم ایران بگذارند: مردم را با کلام حقوق بشر آرام و سر بزیر کنند و به نظام های ضد مردمی و جنایتکار آوانس و امکان ادامه حیات دهند. حقوق بشر اسم رمز اصلاح طلبی حکومتی است که اکنون بیش از هر زمانی برای تداوم حیات نظام اسلامی عرق میریزد. از استاد دانشگاه تا پاسدار - ژورنالیست

ها، از فمینیست های اسلامی و لائیک پرو رژیم همه دست بدست هم داده اند و بیانیه پشت بیانیه صادر میکنند و مردم را به آرامش دعوت میکنند و از خشونت پرهیز میدهند. همه ترسیده اند که بساط لفت و لیس شان بعنوان "اپوزیسیون رسمی و محترم" رژیم اسلامی برچیده شود. بدون رژیم اسلامی، این اپوزیسیون ملی - اسلامی یا ناسیونالیستی نیز چه در داخل کشور و چه در خارج از موضوعیت خواهد افتاد. روزی شان خشک میشود. برویای حقوق بشری شان دود میشود و به هوا میرود.

پیام مردم سرنگونی طلب، مردم بجان آمده از این دریای خشونت و خون، به این دریوزگان رژیم چنین است: "خدا روزی تان را جای دیگری حواله کند، اگر خیر نمیرسانید شر هم نرسانید!" مردم سالها است که در کمین این رژیم نشسته اند و از هر فرصتی برای عقب نشاندن آن استفاده کرده اند. مردم این بار دیگر به خانه باز نخواهند گشت، آمده اند تا این رژیم را به زیر کشند و تمام سران قاتل آن را بجرم جنایت علیه بشریت به محاکمه بکشانند. این تنها التیام قلب های درد کشیده مادران و پدران عزادار است. تنها پاسخ منطقی و عادلانه به فرزندی است که این رژیم پدران و مادران شان را بخاک و خون کشیده است. تنها راه پایان دادن به خشونت و کشتار در کشور است. این پیام مردم سرنگونی طلب، مردم خواهان آزادی، برابری و رفاه است. بساط "حقوق بشر" تان را جای دیگری پهن کنید. \*

## "آزادی"

یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پيله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود، رهایی از ستم های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.

## "برابری"

"برابری"، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی، در دسترسی به ابزارهای ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداره جامعه خود - برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فایق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود - برابری ای که تنها با درهم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهمیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

حکومت اسلامی نمیخوایم،  
نمیخوایم!

## تظاهراتهای بزرگ در مقابل زندان اوین اعتراض علیه حکومت اعدام را گسترش دهیم!

مقابل زندان اوین درود میفرستد و در شور و شادی آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی سهیم است. الگوی تهران باید گسترش یابد و همه جای ایران دنبال شود. محمد رضا علی زمانی و آرش رحمانی در لیست طولانی قربانیان این حکومت جنایتکار قرار گرفتند، اما بزودی پرونده آنها همراه با پروندههای سه دهه عاملان سه دهه جنایت علیه مردم در دادگاههای علنی و عادلانه و منتخب مردم ورق خواهد خورد.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳۱ ژانویه ۲۰۱۰ - ۱۱ بهمن ۱۳۸۸

راسا زندانیان سیاسی را آزاد کرد. اگر جمهوری اسلامی و ماشین جنایتش را متوقف نکنیم این حکومت قربانیان بیشتری از ما میگیرد. باید با قدرت این ماشین خون و جنایت را مهار کرد و درهم کوبید و منحل اعلام کرد!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری خانواده های زندانیان سیاسی و مردم آزادیخواه و انقلابی ایران را به اجتماع در مقابل زندانها برای آزادی بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی دعوت میکند. حزب به اجتماع کنندگان در

وسیع در مقابل زندان اوین در عصر روزهای شنبه و یکشنبه پاسخ حکومت را دادند. عصر روز شنبه بیش از ۲۰۰۰ نفر و عصر روز یکشنبه قریب ۱۰۰۰ نفر در مقابل زندان اوین ساعتها اجتماع و تظاهرات داشتند و صریحا خواهان آزادی بی قید و شرط و فوری زندانیان سیاسی، پایان دادن به بیدادگاههای نمایشی و سرپا توطئه و دروغ، پایان دادن به صدور احکام اعدام و لغو احکام صادره شدند. در اجتماعات که بیش از شش ساعت ادامه داشت، رژیم اسلامی ناچار شد ۶۳ زندانی را آزاد کند. زندانیان با روحیه بالا میان جمعیت آمدند و با استقبال پرشور بستگان و مردم روبرو شدند. صحنه های دیروز و امروز مقابل زندان اوین یادآور روزهای بود که زندانیان سیاسی در سال ۵۷ از زندانهای رژیم سلطنتی آزاد میشدند. تظاهرات در مقابل زندان اوین برای آزادی فوری زندانیان سیاسی، روشن ترین و سیاسی ترین پاسخ به سیاست حکومت اعدام است.

رویدادهای چند روز اخیر بهترین شاخص برای تشخیص روندهای واقعی سیاسی جامعه ایران است. تسلیم جیوانانه موسوی و کروبی و خاتمی و رفسنجانی به خامنه ای و برسمیت شناسی دولت قاتل و متجاوز احمدی نژاد که نام آنرا "سیاست اعتدال" گذاشته بودند، همانطور که ما تصریح کردیم سیاستی برای تعرض به مخالفین حکومت و قربانی گرفتن از آنان بود. اعدام محمد رضا علی زمانی و آرش رحمانی که طی یک پرونده سازی شنیع اجرا شد، لیست طولانی احکام اعدام در تهران و شهرستانها، سیاستی برای انتقام از تظاهرات ضد عاشورا و مخالفین کل نظام بود. معنی این سیاست آتش بس در بالا و تند کردن دور ارابه اعدام در پائین بود. هدف این سیاست ترساندن مردم و ترمیم شکافهای رو به تعمیق در بالا برای بقای حکومت شکنجه و تجاوز و اعدام بود.

اما اعدام محمد رضا علی زمانی و آرش رحمانی با موجی از بی آبرویی بیشتر برای جمهوری اسلامی در دنیا و تعمیق نفرت از این جنایتکاران روبرو شد. قاتلینی که میخواهند در قرن بیست و یکم مانند دوره "حضرت علی" شان در یک لحظه سر هفتاد تن را از سر جدا کنند! این دایناسورهای اسلامی تنها با خون ریختن میتوانند حکومت کنند و کسانی که زیر پرچم "اصلاحات و قانون اساسی" میخواهند این دستهای خونین را بشویند شرکای همین جنایات اند.

اما چه شد؟ آیا اعدامهای جدید توانست به روحیه درهم شکسته نیروی سرکوب که در خیابانها زمینگیر شد کمکی بکند؟ آیا توانستند مردم را بترسانند؟ مردم آزادیخواه تهران همراه با خانواده های زندانیان سیاسی با تظاهرات

## آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپایی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>  
[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)

## ویدئو بلاگ آذر ماجدی و علی جوادی را در باره مسائل سیاسی ایران و جهان ببینید!



[www.wupiran.org](http://www.wupiran.org)

## به حزب اتحاد کمونیسم کارگری

### کمک مالی کنید!

Bank : Wells Fargo Bank – N. America , Routing  
Number : 121 000 248 ,

Account Number: 36 48 46 88 52

### کارگران، زنان، جوانان آزادیخواه!

اجتماعات در مقابل زندانها در تهران و سراسر ایران را باید گسترش داد. باید زندانیان سیاسی را از چنگ حکومت اعدام درآورد. شعار و مطالبه "آزادی بیقید و شرط و فوری زندانیان سیاسی" که در این دو روز قویا بلند بود و توانست هر روز با آزادی تعدادی از زندانیان با دست پر برگردد، باید به شعار اجتماعات توده ای مقابل زندانها در سراسر ایران بدل شود. شعار "آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی"، برخلاف شعارهای تفرقه افکنانه و ارتجاعی که هویت ملی و محلی برای زندانی سیاسی میتراشد، شعاری متحد کننده و پیشرو است. ما نه فقط باید فرزندانمان را از چنگ شان درآوریم بلکه در صورت هر نوع مقاومت در برابر اراده ما باید با قدرت درب زندانها را شکست و

## زنان؛ کدام راه حل؟ کدام جنبش؟

پروین کابلی

هستند. همین موقعیت به نظر میرسد یکی از کارتهای مهمی است که امضا کنندگان بر آن تاکید خواهند نمود.

بیانیه اگر چه با در گیومه گذاشتن کلمه "بحران" میخواید به نوعی بیانیه موسوی کروی را با نگاهی انتقادی مورد خطاب قرار دهد و آشکارا با گفتن "ما بر این باوریم که مسائل زنان، بخش عمده ای از "بحران" جاری است و بدون دیدن و ارائه راهکار برای حل آن، حل مسئله زنان را به دامن موسوی و کروی می اندازد.

بیانیه از این اشکالات "لپی" زیاد دارد و من تصمیم ندارم که وارد تک تک نکات آن بشوم. این بیانیه کوتاه ولی روشن نشان میدهد که آن طیف از جنبش زنان که خود را "مستقل" میدانند و حاضر نیستند که با عضویت در هیچ حزب و جریانی خود را "الوده" کند، چگونه راحت و بدون هیچ مقاومتی به دامن جنبش سبز حکومتی و یا هر جنبش ضد زنی می افتند. این مشکل تنها مشکل امضا کنندگان این بیانیه نیست، بخش عظیمی از فعالین جنبش حقوق زن سیاست حزب گریزی را به دوستی و نزدیکی هر چند خجول با اپوزیسیون ملی - اسلامی ترجمه میکند. اگر نه چگونه میشود هنوز هم در خارج بود و خواهان سرنگونی آپارتاید جنسی نبود؟ این دوستان به بحثی که پیرامون بیانیه درگرفته بسنده میکنند و بعنوان یک نقطه مثبت از آن نام میبرند و متوجه نیستند که این بیانیه یک عقبگرد جدی در مبارزه زنان برای برابری زن و مرد است.

اما چرا بیانیه با چنین محتوایی تنظیم شده است؟ بیانیه همانطور که گفتیم مخاطبان ویژه ای دارد. میخواید در فردای تغییرات ایران نقش بازی کند. دست به عصا راه

بیانیه زنان: راه حل پنج ماده ای ما زنان برای برون رفت از "بحران"؟ به حق بحثها و مجادلاتی را در اپوزیسیون ایران بوجود آورده است. هم اکنون تعداد کسانی که زیر این بیانیه را امضا کرده اند چند برابر شده و چند نفری از شخصیت های "ملی" و ادبا هم "ملت" را به پیوستن به این بیانیه فرا خوانده اند.

به نظر من این بیانیه را باید از چند لحاظ مورد بررسی قرار داد. تلاش من این است که این موارد را در مقابل خواننده قرار دهم و به بررسی آنها بپردازم.

اولین هدف نویسندگان گله گذاری از موسوی و کروی است که چرا این آقایان ما زنان را ندیده اند و دارند حق ما را پایمال میکنند. راه حلهایی که "دولت در تبعید" آقایانی مانند گنجی و سروش و غیره هم پذیرفته اند. همین بند اول بیانیه یعنی مخاطبین آن جایگاه امضا کنندگان را در جدالی که بر سر قدرت در ایران در جریان است را روشن میکند. اینکه این دوستان خود را به کدام جبهه متعلق میدانند و ادعای تعلق به کدام جنبش را دارند مهم نیست. مهم این است که محتوی بیانیه آنها را در کنار مخاطبین خود قرار میدهد. البته مشکل همین نیست. این دوستان نگرانی هایی هم دارند. اینها میدانند اگر تقی به توقی خورد و جماعت کروی و موسوی قدرت را بدست گرفتند میتوانند با همین چند ماده (که حتما تعداد زیادی از ملیون آن را امضا خواهند نمود) در فردای جایگاهی قدرت حضور داشته باشند. در همین رابطه ترکیب امضا کنندگان این بیانیه دلیل روشن دیگری بر این واقعیت است. امضا کنندگان ظاهرا از طیف های مختلف و بدون وابستگی تشکیلاتی و حزبی

رفتنش برای جمع کردن نیرو است. میخواید همه را جمع کند. "همه با هم!" اما به این معضل جواب نمیدهد که همه با هم برای چی و چه هدفی؟ برای سرنگونی آپارتاید جنسی در ایران؟ خوب چرا این را با صراحت اعلام نمیکنید؟ آیا یادتان رفته که دعوی کنونی بقول شما این "آقایان" برسر لحاف ملا است. حاکم کردن آپارتاید جنسی و تحقیر و ستم بر زنان در جمهوری اسلامی بدون شرکت فعال تک تک دست اندرکاران امروزی و دیروزی جمهوری اسلامی امکانپذیر نبوده است.

می پرسید چرا زنان را فراموش کرده اند؟ حتما به دلیل سازمان دادن دولت در تبعید دچار استرس شده اند! معلوم است که نمیخواید اوضاع از این بدتر نشود. اینان باید از کره مریخ آمده باشند که سه دهه مبارزه زنان را در ایران از یاد برده باشند؟ مگر یادشان رفته که تاریخا زنان اولین جنبشی هستند که آشکارا در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفتند و این جدال به یکی از بنیادتری جدلهای جمهوری اسلامی تبدیل شده است؟ بارزه زنان بر کسی در جمهوری اسلامی پوشیده نبوده و نیست. از حقوق مساوی در خانواده تا مبارزه برای تساوی حقوق اجتماعی یک رکن اساسی مبارزه زنان در ایران بوده است. بی دلیل نیست که جنبش زنان در ایران یکی از رادیکال ترین جنبش های معاصر در جهان است و همبستگی با آن از طرف جنبش های رادیکال و مردم آزادیخواه در سراسر جهان یک مشخصه بارز آن است. همبستگی ای که خود را اساسا در هم سرنوشتی با مردم ایران تداعی میکند.

سوال این است که آیا این دوستان این را نمیدانند و خبر ندارند که مسئله دیگر "انتخابات" و "رای من کجاست؟" نیست بلکه همه منتظر آمدن سیل هستند؟ آیا متوجه نیستند که "آقایان" کروی و موسوی و دولت در تبعید



گنجی و سروش و غیره میخواید جلو آمدن سیل را بگیرند؟ این آقایان واقفند سیل که آمد همه آنها را با خود خواهد برد و به کسی رحم نخواهد کرد. قول میدهم که هنگام آمدن این سیل هیچکس اینگونه بیانیه ها را بیاد نمی آورد.

در نیت خیر این دوستان هیچ شکی نیست. اما با نیت خیر هیچ حکومتی به حقوق مردم تن نداده و هیچ دیکتاتوری برابری طلب نشده است. برای به سرانجام رسیدن امر اجتماعی زنان برای یک جامعه انسانی و برابری طلب شرط اول سرنگونی جمهوری اسلامی است. نه یک زره کمتر. اما این امر بدون متشکل شدن ممکن نیست. بدون تشکلی که نماینده یک جنبش سیاسی رادیکال و بشدت آزادیخواه باشد، نمیشود خواهان تغییرات جدی در موقعیت زنان در ایران شد. یکی از شروط این متشکل شدن، به زیر سوال بردن ترس از متشکل شدن و حزبی بودن فعالین جنبش برابری طلب در ایران است. تغییرات بنیادی و اساسی در تاریخ بوسیله گروههای متشکل و احزاب سیاسی واقعیت پیدا کرده است. مگر نمیبیند که "آقای" کروی و موسوی متشکل هستند و حکومت نوع خودی را میخواید؟ شما چرا هنوز در حباب دوران شکست "ما متعلق به هیچ حزبی و جریانی نیستیم" سیر میکنید؟ خیر خواهی شما به جای خود. اگر میخواید کاری کنید و حرکتی را سازمان دهید باید متوجه این هم باشید که حزب سیاسی لازم دارید. اگر نه که صرفا با بیانیه منتشر کردن و امضا جمع



## زنان؛ کدام راه حل؟ کدام جنبش ...

کردن کاری را نمیشود از پیش برد.

برای رفع تبعیض بر علیه زنان باید بدون هیچ توهمی:

"خواهان تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات سیاسی جامعه در سطوح مختلف، لغو کامل آپارتاید جنسی، برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای، لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم های دست و پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است. آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس، لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذریبط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه شد".

(برگرفته از بیانیه حقوق زنان دفتر سیاسی حزب اتحاد کمونیسم کارگری)

بیانیه راه حل پنج ماده ای زنان جایگاه واقعی یک جنبش معین را نشان میدهد. جنبشی که هنوز از شکست انقلاب 57 درس نگرفته است و میخواهد با شعار ظاهری "استقلال جنبش زنان" - که معلوم میشود اسم رمز مقابله با احزاب کمونیست و انقلابی است - یکبار دیگر تلاش سه دهه برای رهائی زنان در ایران را به سازش بکشد.

\*\*\*

از طرف هما ارجمند مسئول کمپین بین المللی بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی



## در ارتباط با منجمد کردن حسابهای بانکی سران رژیم اسلامی،

آقای وارن بنومن،

سفیر دولت سوئیس در کانادا

اخیرا گزارشی از جانب خبرگزاری سی ان ان در رابطه با حسابهای بانکی سران جمهوری اسلامی در بانکهای خارج از ایران پخش شده است. این گزارش ضمیمه است. واقعیت این است که رهبران، مقامات و عوامل جمهوری اسلامی بیش از ۳۰ سال است که در حال کلاهبرداری و بالاکشیدن پول مردم هستند. لیست ارائه شده از طرف سی ان ان تنها بخش کوچکی از دزدیهای سران جمهوری اسلامی را نشان میدهد. بخصوص با خیزش اخیر مردم در ایران، شواهد بسیاری نشان میدهد که رهبران جمهوری اسلامی در حال انتقال مبالغ هنگفتی از ثروت مردم به حسابهای بانکی خویش در بانکهای اروپایی و سوئیسی هستند. کمپین بین المللی جهت بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی انتظار دارد که دولت سوئیس تشخیص دهد که پولهای در حال انتقال قانونا و اصولا متعلق به مردم ایران است. همچنین از دولت سوئیس انتظار دارد که تمامی حسابهای بانکی این اشخاص را فوراً منجمد سازد.

همین جا بعنوان مسئول کمپین بین المللی بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی خواهان يك نشست با شما در حضور دیگر فعالین این عرصه جهت تاکید و ارائه خواستهای ما در این رابطه هستیم.

هما ارجمند

۲۹ ژانویه ۲۰۱۰

## تحصن کارگران شهرداری اندیمشک در مقابل فرمانداری و شهرداری

### در اعتراض به سیزده ماه حقوق پرداخت نشده

طبق خبری که به حزب رسیده است، حدود ۱۵۰ تن از کارگران شهرداری به همراه تعدادی از مردم در روزهای شنبه، یکشنبه و دوشنبه ده تا دوازده بهمن ماه در مقابل فرمانداری و شهرداری تحصن کردند. متحصنین پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود: "۱۳ ماه گرسنگی، تاکی؟" این کارگران مدت سیزده ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. شهرداری همچنان طی این مدت حق بیمه آنها را نیز پرداخت نکرده است. روسای شهرداری از کارگران متحصن خواستند که به نمازخانه بروند تا با آنها صحبت کنند. کارگران حاضر به این کار نشدند. این دزدان سر گردنه به کارگران گفته اند که شهرداری بودجه ندارد و نمیتواند از محل بودجه عمرانی حقوق آنها را پرداخت کند. کارگران نیز تصمیم گرفته اند که به تحصن خود ادامه دهند.

این رژیم دزد و جنایتکار شدیدترین استثمار را بر کارگران تحمیل کرده است و شیره جان آنها را میمکد. ماه ها دستمزد کارگران را پرداخت نمیکند. در مقابل سران رژیم و تمام مدیران کارخانه ها و واحدهای تولیدی پول های کلان به جیب زده اند و در بانک های خارجی میلیون میلیون پول مردم را پس انداز کرده اند. اخبار دزدی های این کلاشان و میزان سپرده های هنگفت آنها در بانک های خارجی در همین روزهای اخیر در رسانه های بین المللی منتشر شد. باید تمام این پول ها را از حلقوم این مفت خوران بیرون کشید. اعتراض متحد و متشکل تنها راه مقابله با این کلاشان است. باید با اعتراض متحد و متشکل مان نه تنها حق مان را از این مفت خورها بگیریم، بلکه این رژیم جنایتکار را به زیر کشیم و برای تمام این جنایات و مشقات و گرسنگی که به میلیون ها انسان تحمیل کرده است به محاکمه بکشانیم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری ۱۲ بهمن ۱۳۸۸ - ۱ فوریه ۲۰۱۰

## زنان، در منگنه اسلام و مردسالاری

اشک شوق ریختیم ولی تنفیری تمامی وجودم را فراگرفته بود

مژده امیدوار

اشکهای من نیز بی اراده جاری بود. این وضعیت 3 روز طول کشید و جنین سقط شد. در چهره سمیرا درد عمیقی قابل دیدن است. درد از دست دادن کودک، درد دنیای نابرابر، درد اینکه آینده چه خواهد شد. سعی کردم مقداری آرام با او صحبت کنم اما سمیرا در دنیای دیگری بود. با مادرش صحبت کردم که از نظر روحی و جسمی باید خیلی مواظب دخترش باشد و او را قسم دادم که هیچ وقت این مسئله را به رخ دخترش نیاورد.

بیرون آمدم. از خوشحالی که موضوع سقط جنین با مشکلات روبرو نشد کمی خندیدیم. اما نفرتی عمیق وجودم را گرفته بود. این نفرت از حکومت و نظامی است که بجز جان انسانها همه چیز در آن ارزش دارد. تنفیری عمیق و روحیه ای عصیانگر که باید این نظام ارتجاعی را به زیر کشید. باید این مناسبات کثیف اسلامی مردسالارانه را به زیاله دادن تاریخ سپرد. سرنوشت سمیرا سرنوشت دختران زیادی در این سرزمین طاعون زده است.

به استقبال 8 مارس روز جهانی زن برویم. 8 مارس امسال باید کیفر خواست میلیونها زنی باشد که هر لحظه در این کشور حتی بعنوان جنس دوم هم حق حیات ندارند. تنها با زیر کشیدن این حکومت ارتجاعی و برپائی یک حکومت آزاد سوسیالیستی است که حرمت و ارزش انسانی احیا خواهد شد. زنده باد سوسیالیسم، زنده باد 8 مارس، زنده باد حزب اتحاد کمونیسم کارگری! \*

نیشهای مادرش دردمش بیاید. یا اینکه دلخونی داشت از این دنیای بیرحم که در آن زندگی میکند که چه نابرابر است. من باید میرفتم اما بهش قول دادم دوباره به او سر خواهیم زد.

صبح روز بعدش مادر سمیرا آمد و گفت هنوز دخترم درد دارد و هیچ اتفاقی نیفتاده چکار باید بکند؟ نگران حال دخترش بود یا نگران "ابرو" بود در میان خانواده و مردم محل؟ هر لحظه نفرت بیش از پیشی وجودم را میگرفت و هر ثانیه آرزو میکردم اگر من قدرت داشتم چه کار میکردم؟ سعی کردم مادر سمیرا را آرام کنم، مقداری با او صحبت کردم و با هم رفتیم پیش دخترش. سمیرا از شدت درد و ترس چشمهایش از حلقه در آمده بود. انگار دیگر بجای اشک خون گریه میکرد. تصمیم گرفتم تنها را تنها نگذارم. پدر سمیرا از اینکه غریبه ای در خانه است مقداری تعجب کرده بود. برای اینکه شاکی نشود و قتهائی را که پدرش خانه بود از اطاق بیرون نمیرفتم. آرام دستهای سمیرا را محکم میگرفتم و سعی میکردم بهش امید بدهم که همه چیز به خوبی به پایان خواهد رسید. در اعماق وجودم دردی شدید را احساس می کردم. راستی کسی میتواند درد این جنین را بفهمد که بدون اینکه کسی ازش سوال کند حق حیاتش سلب میشود؟

میخواهند. مگر این خانواده ها چقدر پول دارند که بتوانند کورتاژ کنند؟ خدا خروار پول میخواهد. باید رفت در یکی از روستاهای اطراف شهر. پزشکی هست که با یک چند میلیون ناقابلی کورتاژ کند. از کجا باید پول را تهیه کرد؟ راه نجات مادر و دختر از مرگ حتمی کمک به راه از بین بردن نوزاد است. این انتخابی است که من در مقابلش قرار گرفته ام!

پیش چند تا پزشک میرویم و راهنمایی میگیریم که چطور و چگونه میشود بدونه کورتاژ بچه را از بین برد. و آنها قرص هائی تجویز کردند. اما این قرصها را باید در بازار سیاه سیاه پیدا کرد. پیدا کردنش راحت نیست و قیمتش گران است. مادر دختر برای اینکه این مبلغ را تهیه کنند تنها سرمایه ای که دارد مقداری طلا است. طلاها را میفروشند و قرصها را خریداری کردیم. دقت زیادی کردیم تاریخ مصرف آن نگذشته باشد. البته در بازار سیاه گشتن و این قرصها را پیدا کردن خودش یک داستان وحشتناک تر است. چقدر باید حرفهای تحقیر آمیز کسانی و حتی طعنه های قاچاقچیان داروها را هم بشنویم؟ فقط سعی کردم با یک جمله بگویم تو نیز خودت قربانی این مناسبات عقبمانده هستی.

قرصها را آوردیم و دختر جوان با مصرف قرصها نیم ساعتی نگذشت که دردهای وحشتناکی سراغش آمد. گریه میکرد. دستام را گرفته بود و میبوسید. اشکها سرازیر میشود. جاری شدن این اشکهای بی پایان را تنها به جاری بودن جویباری میتوان تشبیه کرد. این همه اشک برای اینکه پسری را که دوست داشت در این لحظات در کنارش نبود و از ترس فرار کرده بود! اشک برای اینکه فرزندش را از بین میبرد و شاید باید عمری از

یکی از دوستانم صبح آمد سراغم. رنگ و روش پریده بود. در این مملکت خراب شده با دیدن این صحنه ها اولین چیزی که به ذهنم میرسید اینست که دنبالت کردند. حتما از دست نیروهای انتظامی فرار کرده؟ پرسیدم چرا رنگت پریده؟ چی شده؟ احساس میکردی توان ندارد یک کلام صحبت کند. فقط گفت کمک کن جان دو نفر را نجات بده! سعی کردم آرامش و خونسردی خودم را حفظ کنم و باز پرسیدم چی شده، کی کمک میخواهد؟

سمیرا دختر جوانی که دوست پسر داشته حامله شده است. او هر ماه رگل شده و متوجه نشده که حامله است و وقتی متوجه شده که همه چیز دیر شده و وارد 6 ماه حاملگی شده است. سمیرا قضیه را با مادرش در میان میگذارد. تنها راه فرار را تهیه دارو و خودکشی میدانند و مادر و دختر تصمیم میگیرند خودکشی کنند. دوست من بطور اتفاقی متوجه قضیه میشود و با هزار قسم و التماس به آنها قول میدهد راه نجاتی برای مادر و فرزند پیدا کند اما خودکشی نکنند. پسره وقتی متوجه میشود که دوست دخترش حامله شده از ترس فرار میکند و اصلا پیدایش نمیشود. سمیرا میماند با یک جنین در شکمش!

چه راهی باید برای دختر و مادر پیدا کرد؟ در نهان آشفته هستم. نمیدانم چه بگویم. راستی باید چه گفت؟ موجودی را از بین برد که یک انسان کامل است یا در واقع بخاطر فرهنگ عقب مانده با نوزاد 3 نفر قربانی این شرایط ارتجاعی مردسالارانه شوند؟ اوضاع اقتصادی هم در این مملکت خراب است. اکثر دکترها و داروخانه ها برای کمکی و تهیه داروئی پول خون پدرشان را

### نابود باد

## نظام آپارتاید ضد زن اسلامی!

حجاب پوشش نیست، حجاب سمبل بردگی زن است!

حجاب پرچم جنبش تروریستی اسلام سیاسی است!

انقلاب ۵۷ انقلابی علیه حکومت دیکتاتوری سلطنتی و انقلابی برای آزادی و برابری و از بین بردن فقر و تبعیض بود. مردم حق داشتند که شاه نخواهند، ساواک نخواهند، فقر و سرکوب نخواهند، و زندگی بهتری را بخواهند. اما شکست خوردند. و آنچه سر کار آمد دقیقاً نفی تمام این تلاشهای جامعه بود. یک ضد انقلاب اسلامی بود.

مردم انقلاب نکردند که به عقب برگردند، کارگران برای اسلام اعتصاب نکردند، زنان برای حجاب و تحکیم مردسالاری و قوانین ضد زن بمیدان نیامدند. چه سرنگون شدگان و چه بقدرت خزندگان انقلاب ۵۷ را تحریف میکنند چون هر دو تاریخاً نیروی علیه اراده انقلابی و اهداف انقلابی بودند. در انقلاب ۵۷ نیروی طبقه کارگر و اعتصاب نفت کمر رژیم سلطنتی را شکست اما کارگران نه حزب سیاسی خود را داشتند و نه خود را آلترناتیو قدرت سیاسی میدانستند. انقلاب شکست خورد چون جریان ارتجاعی خمینی - بازرگان ابتکار عمل سیاسی را از دست حرکت مدرنیستی - سوسیالیستی کارگران نفت درآورد و مهر اسلامی به انقلاب کوبیدند. جریان اسلامی را آمریکا و دولتهای غربی سرکار آوردند که تا دیروز متحد رژیم شاه بودند. اما وقتی فهمیدند که دیگر شاه را نمیتوان سرپا نگهداشتند از وحشت چپ شدن انقلاب، از وحشت شعار "کارگر نفت ما، رهبر سر سخت ما"، خمینی و شرکا را به مردم روی دوش اپوزیسیون مرتجع ملی اسلامی حقیقت کردند. ضد انقلاب اسلامی ادامه حکومت سلطنتی بود. دستور کارشان یکسان بود. رژیم اسلامی کار ناتمام رژیم شاه را تمام کرد؛ انقلاب را در خون غرق کرد و مصائبی را بر مردم طی سی سال گذشته تحمیل کرد که نفسها از بازگو کردنش باز می ایستد!

اما امروز نسل جدیدی علیه حکومت اسلامی با قدرت بمیدان آمده است. ویژگیهای دوره امروز با دوران انقلاب ۵۷ در اساس متفاوت اند. نه وضعیت امروز تکرار انقلاب ۵۷ است و نه چهارچوبها و افق انقلاب ۵۷ برای پیروزی آزادی، برابری و رفاه کفایت میکند. آنچه را باید در مورد انقلاب ۵۷ تاکید کرد، و بویژه در مقابل خیل "دگر اندیشان" متفرقه اسلامی و سکولار - اسلام زده با صدای بلند اعلام کرد؛ دفاع از حقایق انقلاب ۵۷ و دفاع از

## در سالروز ۲۲ بهمن

نابود باد حکومت اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

میلیونها انسان آزادیخواه و برابری طلب را به مسلخ ببرند و بار دیگر ترکیبی از حکومت سلطنتی و اسلامی را با بسته بندی جدیدی به مردم حقیقت کنند.

انقلاب ۵۷ انقلابی "همه با هم" بود. اینبار ابتدا "همه با همی" وجود ندارد. جنبشهای اجتماعی و سیاسی هر کدام در پس این تحولات آینده متفاوتی را جستجو میکنند. هر کدام میخواهند شعارها، سمبلها، پرچمها، خواستهها، و تمایلات مردم را شکل دهند و ابتکار عمل سیاسی را بدست گیرند. جنبش کمونیسم کارگری نیز شعارها، سمبلها، پرچمها، خواستهها، و آرمانهای خود را دارد و میخواهد به تمایلات وسیع مردم حول آلترناتیو کارگری شکل دهد. این بار ما اجازه نمیدهم جریانات راست پرو غربی و ملی - اسلامی و چپ های سازشکار تحت لوای "اتحاد" ما را از رسیدن به اهدافمان باز دارند.

جمهوری اسلامی را مانند رژیم سلطنتی باید با قیامی دیگر سرنگون کنیم. اما مسئله اساسی از نقطه نظر ما اینست که چه در پروسه سرنگونی و چه در جدالهای اساسی پس از سرنگونی، نفی جمهوری اسلامی به نفی نظم سرمایه داری بعنوان منشا کلیه مصائب امروز منجر شود. کارگران اینبار باید با پرچم سوسیالیستی خود برای کسب قدرت سیاسی، برپایی حکومت انقلابی کارگری برای درهم کوبیدن ارگانهای نظام سرمایه داری، و برپایی یک نظام آزاد و مرفه سوسیالیستی بمیدان بیاند. این جوهر تلاش حزب اتحاد کمونیسم کارگری است.

انقلاب ۵۷ و نیروهای متشکله آن در مقابل سم مذهب و پرچم سیاه اسلام سیاسی واکسینه نبود. خیل کسانی که در مقابل حجاب سر تعظیم فرود آوردند، سرکوب مخالفین سیاسی را توجیه کردند، و به عقب مانده ترین و انگل ترین قشر جامعه یعنی آخوند مکان و احترام و قدرت دادند، هنوز به وفور وجود دارند. این همان جنبش

مونتلف خمینی است که امروز از حجاب و اسلام و "آیت الله های خوب" دفاع میکند. اینبار جنبش انقلابی زنانه و ضد دین و مدرنیست است و یک شرط پیروزی در هم کوبیدن هر نوع جریان مرتجع سنتی و ضد زن و تاجر مذهب است. ما برای پیروزی باید نظام آپارتاید اسلامی و کلیه ارگانهای قدرت مذهب در قوانین و جامعه را درهم بکوبیم و منحل اعلام کنیم.

کارگران، زنان و مردان آزادیخواه!

ارتجاع اسلامی رفتنی است. کار این حکومت را باید تمام کنیم. اراده انقلابی ما همین را تاکید میکند و جهانیان بر آن وقوف دارند. رمز پیروزی متشکل شدن و قدرتمند شدن است. قدرت فائقه را باید با قدرت آلترناتیوی پانین کشید. متشکل شوید! شوراهایتان را در کارخانه ها و محلات برپا کنید! شوراها ارگانهای مبارزه امروز و ارگانهای قیام فردا هستند. آزادی را نه شاه نه شیخ نه آسمان به کسی ارزانی نمیکند. آزادی امری مادی است و باید با نیروی مادی انسانهای ذنبفع در آن متحقق شود. آزادی را باید گرفت و نگهداشت و تثبیت کرد. جنبش انقلابی طبقه ما همراه میلیونها انسان دردمند و تشنه آزادی باید با حزب سیاسی خودش، حزب اتحاد کمونیسم کارگری، برای کسب قدرت سیاسی بمیدان بیاید.

در سالروز انقلاب ۵۷ بر حقایق عمل انقلابی این نسل تاکید کنیم، یاد جانبیختگان بی شمار این انقلاب را گرامی بداریم، از درسهای انقلاب ۵۷ بیاموزیم، بر ضعفها و رفع کمبودهای آن متمرکز شویم، و با نیروی سهمگین تر برای پاسخ دادن به وضعیت امروز بمیدان بیاییم. انقلاب ۵۷ نهایتاً با سرکوب درهم کوبیده شد و شکست خورد. از دل تحولات امروز باید انقلاب سرخ کارگری و یک حکومت سوسیالیستی قد علم کند!

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندید! این حزب نابودی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری و برپایی فوری یک جمهوری سوسیالیستی است!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۰ ژانویه ۲۰۱۰ - ۳۰ دیماه ۱۳۸۸

## فراخوان به تظاهرات در 22 بهمن - لندن

خیزش عظیم مردمی در قیام 22 بهمن 57 علیه رژیم پهلوی، علیه دیکتاتوری، علیه فقر و فلاکت و نابرابری و علیه جنایات ساواک و دیگر ارگانهای سرکوب بود. این قیامی بغایت انسانی برای رسیدن به خواسته های آزادی، برابری، رفاه، و در نهایت برای یک زندگی شایسته بشری بود.

اما شکست انقلاب، توسط ضد انقلاب رژیم اسلامی به رهبری خمینی، وظایف ناتمام رژیم شاه را به سرانجام رساند و حاصلی جز نفی تمامی خواسته های بر حق مردم و اراده توده های بپا خواسته نداشت. بار دیگر جنایت، اعدام، زندان و شکنجه، نابرابری و تبعیضات جنسی و ملی و طبقاتی، فقر و محرومیت در ابعاد بسیار وسیعتری بر کلیت جامعه حاکم شد. در این میان کارگران، زنان، جوانان، کارمندان، معلمین، پرستاران و کشاورزان کم زمین و کم درآمد بیش از گذشته مورد آزار و ستم قرار گرفته اند.

امروز همگی شاهدیم که پس از سی و یک سال مبارزه در فضای اختناق، جامعه تشنه آزادی و رهائی در سطح وسیع خود برای نابودی رژیم اسلامی و سرمایه با قدرت و شهامت بی نظیری پا به میدان گذاشته است. امروز مردم آزاده ایران علی رغم زندان، شکنجه، اعدام و جنایات بیشمار، هر روز بیش از پیش خواست سرنگونی رژیم اسلامی را به همراه مطالبات به حق خود برای کسب کلیه آزادیهای فردی و اجتماعی، علیه کلیه ستمها و نابرابریها در عرصه های گوناگون زندگی خود با صدایی بلند تر و رساتر در خیابانها فریاد میزنند.

در سالروز انقلاب 57، باید بر عمل و اراده انقلابی این نسل تاکید کرد و با اتحاد و همبستگی و مبارزات خود قویا از آنها حمایت کنیم. ما به نوبه خود در این همایش همبستگی به همراه دیگر افراد و نیروهای آزاده از شما دعوت میکنیم که در تظاهراتی که به همین مناسبت در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن سازمان داده ایم شرکت کنید.

زمان تظاهرات: پنجشنبه 11 فوریه 2010

ساعت 16.00 تا 19.00

مکان تظاهرات:

مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در خیابان کنزینگتن

شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران

26 ژانویه 2010

Hambastegi2009@yahoo.com

حمایت کنندگان از این فراخوان:

سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر، فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) در انگلستان، حزب اتحاد کمونیسم کارگری - تشکیلات انگلستان، جمعی از فعالین چپ در انگلستان، ...

فراخوان به شرکت در تظاهرات در سالروز ۲۲ بهمن

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

در ۲۲ بهمن سال ۵۷ مردم انقلابی با قیام خود حکومت سلطنتی را سرنگون کردند. قیام ۲۲ بهمن زمانی صورت گرفت که در ماههای قبل دولتهای غربی از تداوم حکومت سلطنتی ناامید و شرکا به سازش رسیده بودند. داری در ایران با ارتجاع اسلامی خمینی و شرکا به سازش رسیده بودند. از زاویه جنبش آزادیخواهی و تغییر انقلابی، رژیمهای سلطنتی و اسلامی تاریخا در یک مکان ایستادند و هر دو نیروی ضد انقلابی در مقابل انقلاب ۵۷ بودند. هم از تحت افتادگان و هم بر تخت نشستگان انقلاب ۵۷ را "اسلامی" مینامند. مردم برای اسلام قیام و انقلاب نکردند، مردم برای آزادی و برابری و علیه اختناق و فقر و تبعیض بپا خواستند. نسل انقلابی ۵۷ حق داشتند علیه رژیم آریامهری قیام کنند، همانطور که نسل امروز حق دارند علیه سلطنت اسلامی بپاخیزند.

مردم آزادیخواه!

روز پنجشنبه ۱۱ فوریه برابر با ۲۲ بهمن، ساعت ۱۲ در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم اجتماع میکنیم. وقت آن رسیده که تمامی نهادهای جمهوری اسلامی در خارج جمع شود. وقت آنست که خواست دیرین ما مبنی بر بستن لانه های ترور و جاسوسی رژیم اسلامی متحقق شود. سیر اوضاع سیاسی در ایران قویا حقانیت اردوی کارگری و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را تاکید میکند. در سالروز انقلاب ۵۷، برخلاف سلطنت طلبان که آن را "روز سیاه" مینامند و یا اسلاميون که دهه زجر برپا میکنند، ما در صف کارگران و مردم آزادیخواه، برای سازماندهی قیام و انقلابی کارگری علیه وضع موجود تلاش میکنیم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری از شما زنان و مردان آزادیخواه دعوت میکند که روز پنجشنبه ۱۱ فوریه در تظاهراتی که توسط "شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم" برگزار میشود شرکت کنید. در اینروز با پرچمهای سرخ علیه اردوی رنگارنگ ارتجاع متحدانه بمیدان بیائید!

استکهلم: پنجشنبه ۱۱ فوریه، ساعت ۱۲ در مقابل سفارت جمهوری اسلامی

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - تشکیلات سوئد

۳ فوریه ۲۰۱۰ - ۱۴ بهمن ۱۳۸۸

## مجمع عمومی

کارگران در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید! مجمع عمومی ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر توده کارگران است! جنبش مجمع عمومی کارگری را تقویت و گسترش دهید!

قراردادهای موقت کار و انحلال شرکت‌های پیمانکاری، حق تشکل و اعتصاب، برپایی مجامع عمومی و تشکیل شوراهای مستقل کارگری از خواسته‌های مبرم و ابتدایی کارگران است.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳۱ ژانویه ۲۰۱۰ - ۱۱ بهمن ۱۳۸۸

سیاست حکومت جانپان اسلامی برای اخراج و بیکار سازی هزاران کارگر در دیگر مراکز کارگری در روزها پایانی سال!

امنیت شغلی، بازگشت به کار یا بیمه بیکاری مکفی، پرداخت فوری دستمزدهای معوق شده، دستمزدهای متناسب با هزینه های روز زندگی، لغو

## اخراج 3000 کارگر تونل میدان توحید تهران! جنایت دیگر حکومت اسلامی سرمایه داران

شهرستانهای دور دست به تهران مهاجرت نموده اند و این سه سال را در شرایطی بمراتب بدتر و سختتر از اردوگاههای کار اجباری اسرای جنگی سپری نموده اند. کارگران این 3 سال را در فضای آلوده و پرخطر کار در اعماق زمین و یا زندگی در کمپهای غیر بهداشتی و فاقد امکانات گذران کرده اند. این کارگران دارای قراردادهای موقت و سفید امضا و یکطرفه با پایه دستمزدهای 264 هزار تومانی با شرکت پرلیت هستند که در حال حاضر حتی بسیاری از این قراردادهای ضد کارگری هم به اتمام نرسیده اینچنین دست به اخراج وحشیانه کارگران زده اند و تا این لحظه علیرغم اخراج کارگران کارفرما حتی دستمزدها و مبالغ مربوط به اضافه کاری آبان و آذر و دیماه کارگران را نپرداخته است. همچنین کارگران در تجمعات اعتراضی خود علاوه بر دستمزدهای معوق خواهان دریافت سنوات و عیدی پایان سال خود شده اند. معدلی دزد و همدست رفسنجانی جانی به کارگران گفته است: پولی برای پرداخت سنوات و عیدی نیست و نداریم، خیالتان راحت باشد، دستمزدها و طلبهای پرداخت نشده 3 ماهه را هم عجله نکنید، خودمان برایتان حساب می کنیم!

هم اکنون در این روزهای پایانی سال این 3000 کارگر اخراجی با جیبهای خالی در حالیکه از کار اخراج شده و دستمزدهای 3 ماه پیش خود را نیز دریافت ننموده اند بین ادارات کار و بیمه کارچاق کن حکومت اسلامی سرمایه داران و شرکت پرلیت سرگردانند. طی روزها و هفته های گذشته بیش از 2000 نفر از این کارگران در حین مراجعه به اداره کار حکومت اسلامی در خیابان آزادی تهران دست به تجمعات اعتراضی زده اند اما چیزی جز تهدید و جوابهای سر بالا نشنیده اند. اخراج این کارگران زنگ خطرریست جدی در ادامه

بنا به خبر دریافتی، اخراج تدریجی کارگران طرح احداث تونل میدان توحید تهران (طرح اتصال میدان توحید به خیابان نواب) به بهانه اتمام این پروژه که توسط سرمایه داران و حکومت اوباش اسلامیشان از 2 ماه پیش شروع شده، در هفته های اخیر و بخصوص طی روزهای گذشته آنچنان گسترده و وسیع شده که تاکنون بیش از 3000 نفر از این کارگران زحمتکش از حق کار و زندگی ساقط شده اند.

مجرى طرح احداث تونل میدان توحید که از 3 سال پیش شروع شده شرکت ساختمانی پرلیت به مدیریت و مالکیت جانور سوذجو و مخوفی به نام معدلی است. معدلی از جمله کلان سرمایه داران بزرگی است که حشر و نشر و ارتباطات مالی گسترده ای در زمینه دزدی و زد و بند مالی و اختلاس با جنایتکار بزرگ رفسنجانی و آقازاده های نوکیسه اش دارد. هر یک از کارگران اخراجی دارای سابقه 1 تا 10 سال کار با شرکت پرلیت هستند. این کارگران از 3 سال پیش تاکنون در بدترین شرایط پرخطر و زیانبار کاری در 3 شیفت بسیار سنگین و فشرده در اعماق زمین کار کرده اند. بنا به آمار در این 3 سال بیش از 30 کارگر در اعماق آلوده و تاریک و بدون اکسیژن کافی در حین کار بر اثر ریزش تونل در زیر دهها تن آوار فرو ریخته شده جان باخته و مدفون شدند. یعنی به طور متوسط هر ماه یک کارگر جان باخته است!

اکثریت کارگران اخراجی امروز هم به انواع بیماریهای تنفسی و ریوی مبتلا شده اند. این کارگران عمدتاً کارگران مهاجری هستند که بر اثر فقر و بیکاری برای لقمه نانی شرافتمندانه از

## اخبار و گزارشات دریافتی

### امکان تعطیلی نیروگاه اصفهان

نیروگاه منتظری در شاهین شهر اصفهان به دلیل عدم رعایت استانداردهای زیست محیطی تعطیل میشود. اگر تا فروردین ۱۳۸۹ نسبت به تغییر سوخت مصرفی آن اقدام نشود این نیروگاه تعطیل میشود و خیل عظیمی از کارگران و کارکنان این شرکت از کار اخراج میشوند. این نیروگاه یکی از مهمترین نیروگاههای ایران است که در شاهین شهر در استان اصفهان میباشد. به احتمال زیاد این کارخانه نیمه تعطیل میشود.

### کارگران عسلویه تحت فشار هستند

نبود قطعات یدکی بخشهای زیادی از مجموعه صنعتی عسلویه را تقریباً تعطیل کرده است. در حالی که کارگران حقوق ناچیزشان را هم درست حسابی نمی گیرند، از امکانات رفاهی تا ایمنی محیط کار ضریبش بشدت پایین آمده است، کارفرمایان بدون وقفه در حال تعدیل نیرو کار هستند و نبود قطعات یدکی و تحریم اقتصادی را بهانه قرار دادند. در این وسط شرکتهای پیمانکار داخلی و خارجی هستند که بابت هر پروژه میلیاردها بالا می کشند و کارگران گرسنه و بی تامین هستند.

### پتروشیمی اهواز

یک کارگر اخراجی و با سابقه پتروشیمی اهواز از شرایط اسفبار کارگران این مجتمع میگوید. در اینجا نیز مثل سایر مراکز صنعتی تعداد زیادی از کارگران قراردادی هستند. قراردادهای یکطرفه و سفید که کارفرما هر زمان هر طور دلش بخواهد آن را فسخ میکند. اخیراً پتروشیمی تعدادی از کارگران را تحت عنوان اتمام قرارداد اخراج کرده است.

### پتروشیمی گچساران

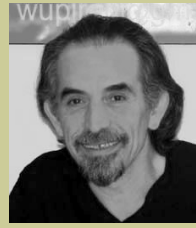
طبق اخباری که به دست ما رسیده است پتروشیمی نوپای گچساران طی ماههای اخیر تعدادی 10 نفر از کارگران خود را اخراج کرده است. لازم به ذکر است که این کارخانه مدت زیادی نیست که راه اندازی شده است با کم بود مواد اولیه روبرو است و دست به تعدیل نیروی کار زده است.

### اختلاف در درون ارتش

منبعی از اهواز از اختلافات شدید درون ارتش در جنوب ایران خبر میدهد. نیروهای رده پایین ارتش از دستورات سرپیچی میکنند و رسماً به فرماندهان میگویند که شما آینده خود را در کشورهای عربی تامین کردید اما ما فردا باید پاسخگوی فرزندانمان باشیم. گزارش اشاره میکند که یکی از سرلشکرهای این منطقه رسماً اعلام کرده که هیچ همکاری با دولت نخواهد کرد.\*

# نامه ها،

سیاوش دانشور



## ۲۲ بهمن چه میشود؟

چشم انداز حزب برای ۲۲ بهمن چیست؟ آیا مردم در ابعاد گسترده به خیابان خواهند آمد؟ حزب ارزیابی از روند اعتراضات مردمی چیست؟ آرمان از تهران

## آرمان عزیز،

برای ۲۲ بهمن هم مردم و هم حکومت اسلامی خود را آماده میکنند. دو جناح حکومت تلاش دارند اینروز را به روز دفاع از خمینی و بزرگداشت "انقلاب اسلامی" و قدرتمانی علیه مردم آزادیخواه کنند. مردم نیز تلاش دارند در فرصت ۲۲ بهمن میخی دیگر بر تابوت رژیم اسلامی بکوبند. تردیدی نباید داشت روز ۲۲ بهمن به روز رودرویی با حکومت اسلامی تبدیل میشود. اما حتی اگر در این روز هیچ اتفاقی نیافتد معنی اش این نیست که با یک روال فروکش کردن اعتراضات روبرو هستیم. وضعیت جامعه انفجاری است و سیاست اعدام و بگیر و ببند مردم را عصبانی تر کرده است. مردم بدست پاسخ سیاست اعدام را با اجتماعات مکرر هزاران نفره در مقابل زندان اوین و آزاد کردن تعدادی از زندانیان سیاسی دادند. حکومت هر سیاستش با شکست روبرو میشود و مردم در پس مانورهای حکومت و جناح هایش قدرت خود را میبینند. نفس اینکه خامنه ای به سنگر "قانون اساسی" میخرد، خط "اعتدال" ناگهان صحنه را اشغال میکند و موسوی و شرکا تسلیم "اقا" میشوند، و دو هفته طول نمیکشد که تهدیدها از هر سو مجدداً بالا میگیرد، نشان میدهد که بن بست و فلج ناپود کننده حکومت راه حل ندارد. نه بالائی ها راه حلی برای سازش و کنترل مردم دارند و نه پائینی ها با سازش بالائینها به خانه شان میروند. برای هر سه سوی معادله سیاسی ایران روند

اوضاع به سمت تعیین تکلیف قطعی میرود. مردم به هیچ ترکیبی از جمهوری اسلامی رضایت نخواهند داد و دقیقاً به همین دلیل جدال در میان حکومتها تشدید و بحران همه جانبه حکومت وخیم تر میشود. راه حل این بحران سرنگونی است.

و بالاخره امروز بیش از هر زمان برای مردم روشن شده که این حکومت به انقلاب ۵۷ ربطی ندارد. ضد انقلاب اسلامی را سرکار آوردند تا انقلاب ۵۷ را درهم بکوبد. تنها با شکست آن انقلاب آزادیخواهانه بود که مرتجعی مانند خمینی بعنوان "رهبر انقلاب" زیر نور رفت و "انقلاب اسلامی" تراشیده شد. نسل انقلاب ۵۷ برای اسلام و خمینی و ارتجاع قرون وسطائی انقلاب نکرد. حکومت اسلامی خمینی و شرکا محصول سرکوب انقلاب است و تا امروز نیز با سرکوب و قتل عام مخالفین سرپا مانده است. استبداد اسلامی ادامه استبداد سلطنتی است و مبارزه نسل جدید امروز برای آزادی و برابری و رفاه ادامه تلاش نسل بخون خفته انقلاب ۵۷ است. این حکومت را باید با قیامی دیگر سرنگون کرد. ۲۲ بهمن روزی در ادامه تلاش مردم انقلابی برای زیر کشیدن این نظام است. موفق و پیروز باشید.

## حزب نظرش چیست؟

امروز با چند نفر از فعالین کارگری نشستیم داشتیم و در مورد اوضاع سیاسی ایران به کدام سو میروند بحث داشتیم. یکی از مباحث داغ به میدان آمدن مردم در ابعاد گسترده بود. یکی از رفقای کارگر تحلیلی داشت که اینجا با شما در میان میگذارم و در عین حال میخواهم پاسخ حزب را در این زمینه بشنوم. این رفیق میگفت ما انتخابات را بهانه ای کردیم که همه

سرنگونی طلب که این نظام را برسمیت نمیشناسد نمیتواند در "انتخاباتی" که خودش و اکثریت عظیمی حق شرکت در آن را ندارد فراخوان شرکت به مردم و کارگران بدهد. در برخورد به مسئله نمایش انتخابات جنبشهای سیاسی مختلف و احزابشان روشهای متفاوتی داشتند. طیف عمده جنبش ملی اسلامی و همینطور بخشی از ناسیونالیستهای عظمت طلب و قوم پرست اپوزیسیون و برخی از چپها دعوت به شرکت در انتخابات کردند. ما بعنوان یک حزب سرنگونی طلب انقلابی و کمونیست بدست فراخوان عدم شرکت در این مضحکه را دادیم و اگر چنین سیاستی نداشتیم در موقعیت امروزمان نبودیم. رویدادهای بعدی هر دور نمایش انتخابات رژیم بکرات اثبات کرده است که سیاست انقلابی در تقابل با سیاستی که میخواهد با رژیم تعامل کند حقایقت داشته است. اینبار هم همینطور شد.

اما روش برخورد و تاکتیک مردم در ابعاد توده ای اولاً با تاکتیک احزاب سیاسی فرق میکند، ثانیاً محضورات آنها را ندارد، ثالثاً تاکتیک پراگماتیستی و براساس درک منفعت روز است، و رابعاً در مواردی هشیارانه و درست است. اگر توده مردم، کارگران، زنان و نسل جدید، حزب سیاسی و نمایندگان خودشان را داشتند که میتوانند در انتخابات شرکت کنند، آنوقت آنها به حزب خودشان رای میدادند و نه به عنصری از میان آدمکشان رژیم. اگر یادتان باشد یکماه قبل از نمایش انتخابات بحث برسر سرد بودن "تئور انتخابات" و بی تفاوتی مردم بود. دلیل هم روشن بود. مردم هم خاتمی و هم احمدی نژاد را دیده بودند. اما در همان اولین مناظره های تلویزیونی مردم متوجه شدند که شکاف در بالا عمیق است. مردم با دیدن شکاف و با هدف پس راندن همه شان و تغییر تناسب قوا وارد صحنه شدند. بسیاری به همین دلیل شرکت کردند و عده ای هم آگاهانه تلاش داشتند اعتراض و مطالبات

بیابند شرکت کنند. دعوت از مردم برای شرکت در انتخابات نه از سر قبول این حکومت بلکه سیاستی بود که براساس آن باید این فضا را می شکست. انتخابات تنها ابزاری بود که میشد مردم را در ابعاد گسترده به میدان آورد. این حرکت را ما انجام دادیم و به سهم خود تلاش کردیم مردم شرکت کنند. بعدش هم مسئله تقلب را طرح کردیم که خود همین مسئله ابزاری باشد برای به میدان آمدن وسیعتر مردم علیه یک بخش از حکومت. یعنی ایجاد شقه بزرگی در درون خود حکومتها. اگر چه به خیابان آمدن میلیونی مردم توهمی به بخش اصلاحگران حکومتی ایجاد کرد اما ابعاد اعتراضات از دست هر جناح و دسته ای خارج شد و شعارها هر روز رادیکالتر می شود. ما باید در عین اینکه تلاش میکنیم که این شکاف عمیقتر شود اما خودمان را برای نبرد نهائی آماده کنیم. سعید از اصفهان.

## سعید عزیز،

آنچه این دوست عزیزمان گفته است توجیه بسیاری از کسانی است که در انتخابات شرکت کردند. همه و هر کسی بنوعی در نگاه به گذشته در جستجوی تائیدی بر عمل امروز خویش اند. برخی عامدانه تلاش میکنند نادرستی سیاست شان را اینگونه توجیه کنند که اگر مردم در انتخابات شرکت نمیکردند که با وضعیت امروز روبرو نمیشدیم! گوئی با انتخابات تاریخ ایران عوض شده و شرکت و عدم شرکت در این نمایش کلید طلایی توضیح وضعیت امروز است. اما واقعیتی در این تحلیل و ارزیابی وجود ندارد. برای روشن شدن باید مسائل را از هم تفکیک کرد.

روش برخورد احزاب سیاسی به حکومت و تاکتیک آنها مثلاً در قیال نمایش انتخابات، با روش برخورد و تاکتیک توده مردم به همین موضوع ضرورتاً یکی نیستند. یک حزب سیاسی

# نامه ها ...

دیرین مردم را در چهارچوب های حکومتی و اینجا "انتخاب" میان دو عنصر حکومت اسلامی اسیر و محدود کنند. خیلی زود روشن شد این توهمات نتیجه ندارد و احمدی نژاد را از صندوق بیرون کشیدند. امری که حزب ما چند روز قبل از انتخابات روی آن بعنوان یک احتمال واقعی تاکید کرد و همین شد.

اوضاع بهم ریخت و مردم فرصتی گیر آوردند که وسیعا به خیابانها بریزند. شرایط جدید محصول شرکت در "انتخابات" نبود بلکه محصول حماقت جناحی از حکومت بود که وضعیت را کلا به جای دیگری برد. شرایطی پیش آمد که برگرداندن آن به نقطه قبل از نمایش انتخابات غیر ممکن بود. "جنبش سبز" حکومتی تا به انتخابات مربوط بود همینجا شکست خورد و یا شکستش دادند. اینکه بعدتر جناحی از حکومت جنگش را با جناح دیگر و بخشا مردم جنگشان را با حکومت زیر این پرچم پیش بردند، توضیح دهنده جدالهای سخت درون حکومتی از یکسو و عروج توده ای مردم علیه حکومت اسلامی از سوی دیگر نیست. جنبش سبز همان دو خرداد خاتمی در قالبی جدید بود برای بقای نظام و اعتراض مردم هم همان نخواستن همیشگی بود برای سرنگونی نظام. مدافعین موسویها و خاتمیها همان قبلی ها بودند و مخالفین کل جمهوری اسلامی هم همان قبلیها. تفاوت اینبود که سرعت معلوم شد که توده میلیونی مردم این حکومت را نمیخواهد و دعوا برسر انتخابات و رای نیست. دعوا برسر بود و نبود نظام است.

مردم بدرست از شکافهای درون حکومتی استفاده میکنند چون قانون تحرک توده ای در اختناق

با شرایط آزاد متفاوت است. مردم و مخالفین از شکاف بالانیاها استفاده میکنند اما هدف ثالثی را دنبال میکنند. این هدف از باز شدن فضا و درجه ای نفس کشیدن تا عقب راندن اوباش خیابانی و نیروی سرکوب، از تغییر تناسب قوا برای تحرک و حرف زدن تا تحمیل تناسب قوای جدید به حکومت به نفع مبارزه انقلابی را دنبال میکند. برای ما کمونیستها و کارگران بسیار بهتر است که دشمنانمان متحد نباشند، وحشی ترین هایشان سر کار نباشد، ارابه سرکوب نتواند براحتی قربانی بگیرد، و فاکتور مردم سنگین تر باشد. اما تمام مسئله اینست که تحمیل هر عقب نشینی به حکومت و بوجود آمدن مبارزه از پائین بوجود می آید. نفس شکاف درون حکومتی بدون واکنش مردم نه حکومت را ضعیف میکند و نه جنبش آزادیخواهی را تقویت میکند. ما باید از شکافها استفاده کنیم تا تناسب قوا را در هم بریزیم اما سیاست استفاده و تکیه بر شکافهای بالانیاها با ترک برداشتن اختناق تاریخ مصرفش تمام میشود. همین امروز و در سه ماه اخیر مردم اساسا با پرچم و شعار و سیاست انقلابی و جسارت بی نظیر و "ساختارشکنانه" فضا را عوض کردند، دعوی جناحها را سمت دادند، سیاست دو جناح را زمینگیر کردند، و اوضاع را به نفع تمایلات واقعی و قدیمی اکثریت جامعه سوق داده اند. میخواهم بگویم نباید تلقی یکجانبه ای از شکاف بالانیاها داشت و براین اساس سیاستی اتخاذ کرد که توهم به حکومت را دامن بزند. مردم بدرست باید از شکافها و فرصتها برای ابراز وجود آزادیخواهانه خود و سیاست نفی کل نظام اسلامی استفاده کنند. اما مطلقا نباید تحت عنوان استفاده از شکاف بالانیاها به نیروی جناحی از حکومت تبدیل شوند و شعارها و سیاستهای آنها را دست بگیرند. اساس شکاف در بالا محصول نخواستن در پائین است و تشدید شکاف در بالا تنها میتواند محصول

مبارزه انقلابی و سیاست انقلابی در پائین علیه کل حکومت باشد. موفق و پیروز باشید.

## گذار از سنت به مدرنیسم

من خودم را طرفدار مارکس میدانم. گرایش منصور حکمت تا جایی که من دنبال کردم متحد کردن مخالفین این نظم بود. ما شاهد بازسازی یک نئو توده ایسم در چپ ایران هستیم که همان دیدگاههای پوپولیستی سابق را دنبال میکند. مسئله اینست که وضعیت فعلی چیست تا بتوانیم سیاست درستی را پیش ببریم. مسئله اصلی امروز ایران گذار از سنت به مدرنیسم است. سیاست سوسیالیستی باید این را درک کند. با درود یاشار مرندی.

## یاشار عزیز،

تردیدی نیست که درک وضعیت همانگونه که هست بسیار مهم است. نه فقط درک وضعیت مشخص بلکه درک روندهای سیاسی پایه ای جامعه و تقابلهای قدیمی بسیار مهم تر است. در پرتو تلقی درستی از این دومی است که میتوان پاسخ درست تری به اولی داد. اما قبول صورت مسئله به صورتی که شما عنوان میکنید، معنی پراتیکی مشخصی نیز دارد و آن این نتیجه است که امروز انقلاب سوسیالیستی در دستور نیست و باید به نیروهای فعلی "گذار از سنت به مدرنیته" کمک کرد. من خیلی فشرده نظرم را در مورد این ارزیابی و نتایج آن میگویم:

اول، تز "ایران در حال گذار از سنت به مدرنیسم است"، بحثی است که دو خردادهای قدیم، پوپری ها، دمکراسی خواهان و ناسیونالیستها، و بخشی از حکومت اسلامی بعنوان مختلف طرح میکنند. جناح چپ این جریان، گذار از سنت به مدرنیسم را بعنوان صورت مسئله سیاست ایران قبول میکند، و لاجرم نتیجه میگیرد که امروز باید کارهای دیگر کرد. آن کارها هرچه باشد تلاش برای برقراری فوری

سوسیالیسم خواهد بود. از نظر این دیدگاه جنبش سوسیالیستی باید بجای سازماندهی انقلاب کارگری نیرو و کارشان را همراه با متحدین حکومتی و غیر حکومتی صرف زایمان "گذار از سنت به مدرنیسم" کنند. ما بعنوان کمونیست کارگری به "مدرنیسمی" که قرار است روی دوش کارگران و مردم زحمتکش ارتجاع بورژوائی را بازسازی کند کوچکترین علاقه ای نداریم.

دوم، خط گذار از سنت به مدرنیته اتفاقا با پوپولیسم مخالف است. اما پوپولیسمی که این خط نقد میکند بیشتر شبیه نقد روشهای پوپولیستی اسلامی نوع احمدی نژاد از موضع حجاریان و گنجی است. نقد ضد پوپولیستی طرفداران "گذار از سنت به مدرنیسم" نقدی از موضع الیستیسیم سیاسی طبقات دارا است و ربطی به منافع آتی و آتی طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی ندارد. از موضع نقد مارکسی و کمونیستی کارگری، پوپولیسم یعنی ناسیونالیسم چپ. ناسیونالیسمی که در تقابل با اهداف جنبش طبقه کارگر علیه سرمایه است و وحدت منافع در آشتی طبقاتی و وحدت مردم و ملت و غیره است. این پوپولیسم به این شکل و با این مفروضات و دستگاه فکری و سیاسی شکست خورد و مضمحل شد. چپ رادیکال و پوپولیست سابق تلاش دارد با همان بنیانهای قدیمی و البته به روز شده همان اهداف ناسیونالیستی را پیش ببرد که همواره علیه اهداف رهاییبخش کمونیسم کارگری است.

سوم، صد سال است آن مملکت با سنت و تحجر در افتاده و مدرنیزاسیون ناقص و اختناق سیاسی لازمه سرمایه داری مانع شده که ایران شبیه کشورهای پیشرفته شود. اما واقعیت اینست که در ایران حکومت مذهبی و سنتی و عقیمانده است اما اکثریت مردم آزادیخواه و مدرن اند. روش زندگی و تفکر و تمایلات نسل جدید نه

# نامه ها ...

فقط سنتی و مذهبی نیست بلکه ضد مذهبی و ضد اسلامی است. اختناق نمیگذارد که چهره مدرن جامعه خود را تماما نشان دهد. اینکه نیروهائی در بالا تحت فشار پائین دارند خودشان را قطره چکانی با نمایلات قدیم تر و ریشه دار جامعه تطبیق میدهند، معنی اش این نیست که ما با روندی روبرو هستیم که ایران در حال "گذار از سنت به مدرنیسم" است. این تر فرضش اینست که جامعه "سنتی و اسلامی" است و امثال "نواندیشان دینی" و لوترهای اسلامی هم پرچمداران "مدرنیسم"! خود شما بعنوان "طرفدار مارکس" در این چهارچوب چه تعریفی از خود میدهد و خود را متعلق به کدام اردو میدانید؟

چهارم، کمونیسم منصور حکمت بر خلاف نظر شما نه بر وحدت طلبی مخالفین رژیم که بر نشان دادن تمایزات و تفاوتیهای جنبشهای سیاسی در متن جدال طبقاتی تکیه داشته و دارد. وحدت اگر معنی ای برای ما دارد فقط درون طبقاتی و جنبشی و براساس منافع انترناسیونالیستی طبقه کارگر است و نه وحدت جنبشهای متمایز و متخاصم طبقاتی. و تاکید این موضوع لازم است که کمونیسم بدهی خاصی به مدرنیسم ندارد. کمونیسم تاریخا جنبشی مدرن و منتقد متاخرترین و پیشرفته ترین شکل و مناسبات جامعه طبقاتی بوده و هست و از همین موضع مدرنیسم سوسیالیستی با عقب ماندگی فکری و فرهنگی در جامعه و در میان راست و چپ مقابله کرده است. مدرنیسم کمونیسم اساسا بر اهداف و حقوق جهانشمول انسانها و جهت رو به جلوی جامعه تکیه دارد که جنبش طبقه کارگر همواره مبشر آن بوده است.

پنجم، حزب توده پوپولیست نبود،

یک جریان ناسیونالیست اصلاح طلب بود. سیاست به رنگ هر مرتجعی در آمدن برای حزب توده از سر پوپولیسم نبود، منفعت اردوگاهی اش ایجاب میکرد مثلا با فلان ژنرال سرکوبگر یا فلان آخوند و یا جریان مرتجع مذهبی در جهان سوم همراهی شود. این تر راه رشد غیر سرمایه داری و سیاستهای سرمایه داری دولتی شوروی در قبال کشورهای موسوم به "جهان سوم" بود که جریانات پرو سوویت را به این سیاستها سوق داد. خودشان مذهبی نبودند اما ناسیونالیست و رفرمیست بودند.

ششم، احیا مجدد خط پوپولیستی قدیم در شکل نئو توده ایسم در میان چپ، هرچند این عبارت به نظر من دقیق نیست و دگرذیسی چپ غیر کارگری را منعکس نمیکند، ممکن است. باید مشخص حرف زد. به نظر ما اتخاذ سیاستهایی با هر عنوان و بسته بندی تئوریک که کنار بخشهایی از بورژوازی قرار میگیرد و کارگران را دعوت به حمایت از جناحی از طبقه حاکم میکند، همواره خطری است که جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر را تهدید میکند. توجیهاات این خط نیز همواره اتکا به شرایط مشخص و صورت مسئله مشخص جامعه بوده است. در این دیدگاه ظاهرا در ایران تحت سلطه سرمایه داری نوبت سوسیالیسم هیچوقت نمیرسد. همین بحث "گذار ایران از سنت به مدرنیته" که اساس بحث دو خردادیها و سبزهها و جمهوریخواهان ایرانی امروز یعنی همان توده ایستهای سابق است، یکی از آنهاست. موفق و پیروز باشید.

## حق با ما بود

رفقای عزیزم دوست دارم بگم حق با ما بود. همین چند سطر را می نویسم که در این تند پیچ حزب اتحاد کمونیسم کارگری مواضع اصولی را گرفت. باور کنید تردید

ندارم اگر نادر بود شما را تشویق می کرد. حق با حزب ما بود باید این را فریاد زد. حزب ما نه مثل آقای مدرسی جنبش اعتراضی را دو دستی به جناحهای رژیم تقدیم کرد و نه مثل آقای تقوائی که موسوی را گذاشت کنار دست مردم و با ایشان کشتی نگرفت. رفقا طی 3 سال اخیر و اوضاع متحول سیاسی در ایران حزب تیز بود و هوشیارانه عمل کرد. افتخار میکنم یکی از اعضای این حزب هستم و در کنار شما کمونیستهای کارگری واقعی مبارزه می کنم. میخوام بدانم دو حزب دیگر چه جوابی دارند به مردم بدهند؟ زنده باد منصور حکمت، زنده باد حزب اتحاد کمونیسم کارگری. سیامک مرادی

## سیامک عزیز،

حقانیت سیاسی را باید گفت و تاکید کرد و به همه نشان داد و منشا جذب نیرو کرد. حزب به وجود رفقائی مثل شما افتخار میکند و اگر این حزب افتخاری دارد متعلق به همه اعضا و کادرها و فعالین شریف آنست. این حزب مارکسیستها و کمونیست کارگریهای دو آتشف و سازش ناپذیر و انقلابی و آرمانخواه است.

حزب را تقویت و گسترده کنید و پرچمش را در هر کارخانه و محله بکوبید. موفق و پیروز باشید.

## من عضو هستم

سلام، من تازه تقاضای عضویت را ارسال کردم آیا رسما به من پاسخ میدهید؟ جلال شکبیا.

## جلال عزیز،

به حزب خودتان خوش آمدید. پیوستن شما را به صفوف حزب اتحاد کمونیسم کارگری تبریک میگوئیم. امیدواریم ظرفیتهای و توانائی فردی و اجتماعی شما منشا گسترش فعالیت و امکانات و قدرت عمل حزب شود. پاسخ شما را جداگانه میدهیم. موفق و پیروز باشید.

## فعال حزب هستم

من را بعنوان فعال حزب قبول کنید. بخاطر شرایط از ارسال فرم عضویت فعلا خودداری می کنم. به من بگویید چکار باید بکنم. با تشکر بابک از تبریز

## بابک عزیز،

به صفوف حزب اتحاد کمونیسم کارگری خوش آمدید. با شما جداگانه حرف میزنیم. کار هر کمونیستی امروز شناساندن حزب و اهداف انقلابی و کمونیستی کارگری اش، جذب نیرو برای حزب، فعالیت کمونیستی در میان کارگران و جنبشهای آزادیخواهانه در جامعه است. موفق و پیروز باشید.

\*\*\*

## آدرس جدید وب سایت حزب

[www.wupiran.org](http://www.wupiran.org)

لطفا به اطلاع عموم برسانید!

## کارگران! علیه سرمایه داری بپاخیزید!

## دست مذهب از سر مردم کوتاه!



## اعتصاب و اعتراض نتیجه داد

### زنده باد کارگران تولید گستر آسیا

بنا به خبر دریافتی، سرانجام پس از دو ماه کشمکش و درگیری کارگران شرکت تولید گستر آسیا موفق شدند با اتکا به اعتصاب چند روزه و اعتراضات جمعی و مکرر خود سرمایه داران و عوامل کارفرما را مجبور به شکست و عقب نشینی نمایند. عوامل کارفرما که از اوایل آذر ماه تصمیم داشتند تا به بهانه تعطیلی کارخانه ابتدا کارگران را به مرخصی اجباری فرستاده و پنهانی به جای این کارگران اقدام به بکارگیری کارگران جدید در شرایط کاری سختتر با دستمزدهای پایینتری نمایند و حتی وعده پرداخت دستمزدهای دوران مرخصی اجباری را به کارگران داده بودند، تا چند روز پیش به انحاء مختلف کوشیدند با عدم پرداخت دستمزدها، تهدید به اخراج و توسل به انواع ترفندها کارگران را بدون پرداخت هیچگونه دستمزدی از کار اخراج نمایند. اما با توجه به اینکه طی دو ماه گذشته با اعتصاب و تجمعات قاطع کارگران روبرو شدند، سرانجام روز چهارشنبه در مقابل بخشهایی از خواستهای کارگران تسلیم شدند. از چهارشنبه گذشته تا امروز بیش از ۱۵ نفر از کارگران اخراجی به سر کارهایشان بازگشته اند. در روز چهارشنبه دستمزدهای آذر و دیماه و همچنین بخشهایی از

دستمزدهای معوق مربوط به شهریور و مهر ماه ۷ نفر از کارگران نقدا پرداخت شد. اما این هنوز همه خواستهای کارگران نیست. یکی از کارگران میگوید: ما به این جانوران سودجو اعتماد نداریم. هنوز همه همکاران اخراجی ما به سر کارهایشان باز نگشته اند. هنوز ما بین شرکت پیمانکاری و کارخانه سرگردانیم. تا این لحظه با ما قرارداد موقتی هم نبسته اند.

جنایتکارشان بیرحمانه به دنبال نابودی و انهدام زندگی ما کارگران و خانواده هایمان هستند. قدرت ما در اتحادمان است. برای دفاع از کار و معیشت و زندگی امروز و فردایمان، برای مبارزه علیه سرمایه داران و نابودی حکومتشان، باید متشکل شویم. به مجمع عمومی متکی شوید و برای شوراهای کارگری تلاش کنید.

شرکت تولید گستر آسیا با ۴۰ نفر کارگر قراردادی و سفید امضا و یکطرفه و پایه دستمزدهای ۲۶۴ هزار تومانی از جمله مراکز تولید روکش و تو دوزی و صندلی و طرف قرارداد ایران خودرو در جاده آذران اسلام شهر واقع در شهرک صنعتی زواره ای میباشد.

بازگشت به کار همه کارگران اخراجی، پرداخت فوری همه دستمزدهای معوقه، لغو قراردادهای موقت کار و حذف شرکتهای انگل پیمانکاری، تامین امنیت شغلی، پرداخت دستمزدهای ایام اعتصاب و مرخصی اجباری مطابق با تورم و هزینه های روز زندگی، حق اعتصاب و تشکل، از جمله خواستهای برحق و پایه ای کارگران است.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳۱ ژانویه ۲۰۱۰ - ۱۱ بهمن ۱۳۸۸

### رفقای کارگر!

سرمایه داران و حکومت اسلامی

## اطلاعیه آغاز برنامه های هر روزه تلویزیونی

"برای یک دنیای بهتر - برنامه ای از حزب اتحاد کمونیسم کارگری"

بدینوسیله به اطلاع کارگران و تمامی مردم آزادیخواه و برابری طلب می‌رسانیم که "برای یک دنیای بهتر - برنامه ای از حزب اتحاد کمونیسم کارگری" بزودی برنامه های روزانه خود را به مدت یکساعت از طریق شبکه "کانال یک" آغاز خواهد کرد.

این برنامه ها در ایران، خاورمیانه، اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا از طریق ماهواره های "یوتل ست دبلویو" در ایران و اروپا، "تل استار ۵" در آمریکای شمالی و استرالیا قابل دیدن است. صدای این برنامه ها از طریق "هات برد" در شبکه "رادیو پدر" نیز پخش میشود. این برنامه ها از طریق شبکه اینترنتی [WWW.GLWIZ.COM](http://WWW.GLWIZ.COM) نیز قابل مشاهده است.

برای یک دنیای بهتر برنامه های روزانه خود را از اوائل سال جدید میلادی ۲۰۱۰ شروع خواهد کرد. برای یک دنیای بهتر برنامه ای از حزب اتحاد کمونیسم کارگری است. برای سرنگونی رژیم اسلامی و استقرار نظامی متضمن آزادی، برابری، رفاه و سعادت همگان، یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه میکند.

شروع به کار این برنامه ها را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید. زمان پخش این برنامه ها بزودی اعلام خواهد شد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۹ دسامبر ۲۰۰۹

## تلویزیون برای یک دنیای بهتر

جمعه: ساعات ۵ بعد از ظهر بوقت تهران یکشنبه: ساعت

۱۲:۳۰ ظهر بوقت تهران در تلویزیون کانال یک

برای یک دنیای بهتر یک برنامه سیاسی است. بیطرف نیست، جانبدار است. مدافع حقیقت، آزادی، برابری، شادی، رفاه و سعادت انسانها است. ما برای یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنیم. لطفا روز و زمان پخش این برنامه ها را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خودتان برسانید.

پیروزی و رهایی مردم در جدال تاریخساز کنونی در ایران قبل از هر چیز منوط به این است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد، ثانیاً جریانات اپوزیسیون راست و ملی - اسلامی را ایزوله و حاشیه ای کرده و ثالثاً، توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی بپاخاسته اند به سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک آلترناتیو سیاسی و اجتماعی واقعبینانه و قابل تحقق بنگرند. تحقق این ملزومات وظیفه حیاتی ما است.

# زنده باد شوراها

ارگانهای اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید!

مصوب دفتر سیاسی حزب

## منشور

# آزادی، برابری و رفاه

مصوب دفتر سیاسی حزب ۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

## آزادی

۱- سکولاریسم: جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهبی.

۲- آزادی بیان: آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۳- آزادی تمامی زندانیان سیاسی: لغو مقوله "جرم سیاسی"، لغو مجازات اعدام، ممنوعیت شکنجه و یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم و روان افراد.

۴- آزادی پوشش: آزادی بی قید و شرط انتخاب نوع پوشش.

۵- محاکمه تمامی آمرین و عاملین جنایت توسط دادگاههای منتخب و عادلانه مردم.

## برابری

۶- برابری زن و مرد: برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو حجاب. لغو جدا سازیها و آپارتاید جنسی.

۷- برابری حقوقی: برابری کامل حقوقی همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

## رفاه

۸- حداقل دستمزد: تعیین حداقل دستمزد مکفی توسط نمایندگان تشکل های سراسری کارگری. در شرایط کنونی حداقل دستمزد باید یک میلیون تومان باشد.

۹- بیمه بیکاری: پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار و آماده به کار. پرداخت بیمه بازنشستگی معادل حداقل دستمزد رسمی.

۱۰- طب و درمان رایگان و قابل دسترس، آموزش رایگان در تمامی سطوح، تامین مسکن مناسب برای همگان: هزینه مسکن نباید از ده درصد درآمد فرد یا خانواده بیشتر باشد.

۱- بار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخی قرار گرفته است. مردم آزادیخواه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و هم اکنون دست بکار بزیر کشیدن آن هستند. پیشروی مبارزات توده های بپاخواسته مردم و تحقق سرنگونی رژیم اسلامی بشکلی سازمان یافته و در سریعترین و کم مشقت ترین شکل در گرو ساختن ارگانهای مبارزاتی و اعمال اراده توده ای مردم، شوراها، در سراسر جامعه است.

۴- طبقه کارگر باید بسرعت شوراها را ایجاد کند. شوراها امر اتحاد صفوف کارگران، تامین استقلال طبقاتی و اتخاذ سیاست کنترل کارگری را تسهیل میکند. شوراها امکان حضور طبقه کارگر بعنوان رهبر شایسته جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را فراهم میآورد. کارگران سوسیالیست باید پیشرو ایجاد شوراها در محیط زیست و کار باشند.

۵- شوراها محلات در شرایط امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه عملی همین دوره نشان میدهد که محلات و تجمعات مبارزاتی در آن، پایه سازماندهی حرکات اعتراضی وسیع و بویژه تظاهرات شبانه است. باید کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی و نیروی سرکوبگر آن خارج کرد.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری، کارگران و مردم زحمتکش را به برپائی شوراها فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

۲- یک هدف شوراها گرفتن بخش هر چه وسیعتری از قدرت توسط توده کارگران و مردم است. این ارگانها ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه، اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش و نفی قدرت سرمایه و جمهوری اسلامی است. شوراها همچنین از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند. باید همه جا، در محیط زیست و کار در سطح محلی و سراسری شوراها را سازمان داد.

۳- شورا کارترین، مناسبترین و ساده ترین ظرف اتحاد و اعمال اراده توده ای است. شورا ضامن اعمال اراده مستقیم

شوراها ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی، ظرف اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش، و از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند.

## کنفرانس بین المللی

# بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی زن

همبستگی با مبارزات زنان در سراسر جهان برای آزادی، برابری، سکولاریسم و علیه خشونت

اسلامی زندگی میکنند" و هماهنگ کننده سکولاریسم امر زنان است، فرانسه - الجزایر  
این لیست در حال تکمیل شدن است و بمحض قطعیت یافتن سایر سخنرانان به اطلاع عموم خواهد رسید.

سرشناس و قدیمی حقوق زن از مصر مهمان افتخاری این کنفرانس خواهد بود. **گودرون تیهه تیبرگ**، ژورنالیست، مسئول زنان برای صلح، سوئد. **ماریا رشیدی**، رئیس انجمن حق زن و عضو هیات مدیره شبکه

حاکمیت مذهب" صادر کرد.

کنفرانس ۶ مارس ۲۰۱۰ دگر بار بر این مسائل مهم و اساسی تمرکز خواهد کرد، با زنان در سراسر جهان در مبارزه شان

سازمان آزادی زن و ابتکار فمینیستی اروپا بمنظور بزرگداشت روز جهانی زن، شنبه ۶ مارس ۲۰۱۰ یک کنفرانس بین المللی در شهر گوتنبرگ، سوئد برگزار میکنند. تم این کنفرانس:

نقش اساسی سکولاریسم در مبارزات زنان برای برابری، امنیت، و در مبارزه علیه خشونت نسبت به زنان است.



در مقابله با عقب گرد هایی که بر حقوق و موقعیت زنان تحمیل شده، زنان باید متحدانه اعلام کنند: "دیگر بس است" و برای تغییر جهان متحد شوند. یک ابزار مهم بسیج و سازماندهی یک جنبش قوی برای دستیابی به این اهداف، گردآوردن فعالین از گوشه و کنار جهان بمنظور تبادل تجارب و دیدگاه ها است. در مارس ۲۰۰۹ ما یک کنفرانس بسیار موفق، با عنوان "چرا سکولاریسم ضروری است؟" در گوتنبرگ سازمان دادیم تا بحث در مورد اهمیت سکولاریسم برای جنبش آزادی زن را گسترش دهیم. کنفرانس بین المللی در اسکوپیه، مقدونیه، در اکتبر ۲۰۰۹، بیش از صد فعال را از سراسر جهان گرد هم آورد تا به این مسائل بپردازد، به همبستگی در جنبش دامن زند و امر تحقق این خواست ها را به پیش برد. کنفرانس یک فراخوان برای گسترش مبارزه علیه "میلیتاریسم، پاتریارکی و

برای آزادی، برابری، امنیت و علیه خشونت اعلام همبستگی خواهد کرد. این کنفرانس همچنین حمایت و پشتیبانی خود را از زنان در ایران در مبارزه رو در رو با یکی از زن ستیز ترین نظام های دوران معاصر، در این روزهای سخت و هیجان انگیز اعلام میکند.

علیه خشونت های ناموسی، سوئد- ایران. **آذر ماجدی**، نویسنده، رئیس سازمان آزادی زن، عضو کمیته هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی اروپا انگلستان - ایران. **کریس مک کرلی**، حقوقدان، فعال در عرصه کمک به زنانی که مورد خشونت ناموسی و خانوادگی قرار دارند، انگلستان. **گیونر نیبو**، رئیس آنتیکو و عضو کمیته هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی اروپا، مقدونیه. **لیلین هالس فرنچ**، رئیس ابتکار فمینیستی اروپا، فرانسه. **ماریان هلی لوکاچ**، بنیانگذار "زنانی که تحت قوانین

سخرانانی که تاکنون شرکت شان قطعیت یافته است:

نوال السعداوی، نویسنده و فعال

زمان کنفرانس:  
شنبه ۶ مارس  
۲۰۱۰

محل: گوتنبرگ، سوئد، خانه مردم، یرن توریت،  
Folketshus Järntorget

مصاحبه مطبوعاتی: روز جمعه ۵ مارس ساعت ۲ بعد از ظهر یک کنفرانس مطبوعاتی در محل زیر برگزار میشود:

Medusahuset, Viktoriahuset  
samlingsal, Linnégatan 21 B,  
413 04 Göteborg

علاقمندان شرکت به کنفرانس لطفا با شهلا نوری یا آذر ماجدی تماس بگیرند.

Tel: 0737262622

shahla nouri

w/shahla.n@gmail.com

Majedi.azar@gmail.com

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!

## ستون آخر،

## مناظر سیاسی بسرعت عوض میشوند

علی جوادی



در آن طرف دیوارها وضعیت جریانات قوم پرست و ناسیونالیستهای قومی هم خیره کننده است. این جریانات که رسالتشان الصاق طوق لعنت بر گردن مردم منتسب به بخشهای مختلف جامعه است، به یکباره سبز شدند. طرفدار حقوق بشر و "خشونت گریز" و "صلح طلب" شدند.

اما مهمترین تغییر را شاید بشود در سیمای اوین مشاهده کرد. اوین هم این روزها تغییر کرده است. نه از آن رو که دیگر جایی برای آدمکشی و شکنجه و تجاوز و اعدام نیست، نه! از آنرو که دیگر هراسی در قلبها ایجاد نمیکند. دیگر عاملی جهت ارباب و وحشت نیست. برعکس مکانی برای اعتراض است. فریادهای زندانی سیاسی آزاد باید گردد. هلله و بوسه های شادی برای آزادی هر زندانی سیاسی. گویی این دیگر زندانبانان اوین هستند که بر خود می لرزند. در هراسشان روزی را تصور میکنند که درهای اوین را بر سرشان خراب کنیم.

تصاویر به سرعت عوض میشوند. آنچه که تا دیروز رویایی دست نیافتنی بنظر میرسید اکنون واقعیات دست یافتنی روزهای آتی هستند. برآستی چه کسی تصور میکرد در مقابل اوین، قلب خونین رژیم اسلامی، جانیکه رژیم اسلامی به درگاه هیولای خدا دهها هزار تن را به مسلخ برده است، فریادهای آزادیخواهانه و شور و هیجان و قدرت مردم به نمایش گذاشته شود؟ چه کسی تصور میکرد فریادهای مرگ بر خامنه ای همه گیر شود؟ چه کسی تصور میکرد خیابانهای تهران شاهد شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی باشد؟ روزی که شعارهای آزادی، برابری، حکومت کارگری فریاد زده شود، نیز دور نیست.

\*\*\*

فراخوانهای برگزاری تجمعات میدهند. شیرین عبادی و فراخوانهای سمبل حقارت و بارومتر این جریان ارتجاعی است. نوسانات بالا معمولا با دامنه بیشتری در صفوف این جریان در پائین انعکاس می یابد.

جریانات راست پرو غریبی هم از این سرگیجه و هراس سهم خود را برده اند. سهم حزب مشروطه گویا بیش از همه است. اینها گویی راهنمای راست روی و ارتجاع اند. پیش از آنکه موسوی سرخم کند، اینها سرخم کردند. اعلام کردند که از خامنه ای و مافیای روحانیت در مقابل احمدی نژاد حمایت میکنند. مانند کاسه لپسان اعلام کرده اند که چیزی "جز جنبش سبز" ندارند. هر چند که سران سبزه ها هم در هر فرصتی لگدی به این جریانات میزنند که گاه و بیگاه فغانشان را بلند میکنند. رابطه شان با هم جالب است. هر دو بر این تصور کودکانه اند که دیگری برایشان نقش ابزاری دارد. و این سرنوشت بازندگان و مجروحان سیاسی است.

اخیرا داریوش همایون نظریه پردازشان بار دگر در هراس از سرنوشتی انقلابی رژیم اسلامی و قدرت گیری کارگر و کمونیسم جیونانه اعلام کرده است: "تحول گام به گام به مراتب بر فروپاشی یا از هم پاشیدگی ناگهانی ترجیح خواهد داشت". گویی مساله بر سر سرعت تحولات است و نه جهت و اهداف این تحولات. گویی ما در جهت یکسان و مشترکی گام بر میداریم و این جاماندگان مساله شان تنها سرعت تحولات است.

با مردم و جریان سرنوشتی طلب انجام دهند. کروی کرش کرد. اعلام کرد که دولت احمدی نژاد را از آنجائیکه "آقای خامنه ای" حکمش را تنفیذ کرده است بطور واقعی برسمیت می شناسد. و خاتمی بیشترین تعرض را به تلاش مردم آزادیخواه انجام داد. اما تمام این تلاشها و دولا راست شدنها چند هفته ای بیشتر دوام نیاورد. نشانه ها و چشم انداز اعتراض مردم در ۲۲ بهمن، جناح راست را به مقابله با این توافقات کشاند. چاقو کشان جناح راست می پرسند چرا باید با جریانی که ارزش مصرفش به پایان رسیده است پای میز مذاکره و بند و بست نشست؟ خواهان تسلیم بی قید و شرط "سران فتنه" هستند. و اصلاح طلبان دست از پا درازتر کوشیدند از زیر عبای خامنه ای به مواضع قبلی خود بخرزند. برخی از صاحب نظران اصلاح طب می پرسند چرا باید سرنوشت خود را تماما به رژیمی در حال سقوط گره بزنند؟ اما در هر جست و خیزی بیشتر بی آبرو و مفتضح و حاشیه ای میشوند.

موقعیت جریانات اپوزیسیون پرو رژیمی هم گوشه ای از این سرگیجه سیاسی و شتاب تحولات را نشان میدهد. این مفلوکان سیاسی نمیدانند چه بگویند. یک روز آرامش ندارند. موسوی میگوید به دنبال راه حلی برای خروج از بحران است، به یکباره مرکز ثقل شان به راست خم میشود. به مذمت "خشونت طلبی" مردم و نقد شعارهای سرنوشتی طلبانه می افتند. بخشا تجزیه میشوند. بخشا به نقد گذشته خود می پردازند و از مردم طلب مغفرت می کنند. موسوی میگوید مردم حق دارند راهپیمایی کنند، به یکباره

تحولات سیاسی جامعه شتاب خیره کننده ای بخود گرفته است. اعتراضات مردم سرنوشتی طلب زمین را زیر پای حکومت داغ کرده است. بخشی از جماعت اوباش حاکم عربده میکشند، تهدید میکنند، به دار میکشند، بخشی دیگر التماس میکنند، و به حقوق مردم در چهارچوب قانون اساسی شان سوگند یاد میکنند، از مردم میخواهند که به کم رضایت دهند و دست از پا خطا نکنند. اما علیرغم هر تلاشی نمیتوانند به تعادلی پایدار شکل دهند. توافقاتشان بیش از چند هفته دوام نمی آورد. همه چیز بسرعت در حال تغییر است. جامعه وارد دوره ای از تحولات انقلابی شده است و تغییرات این چینی از ویژگی و علائم دوران انقلابی است. تصاویری از این وضعیت گویای این موقعیت است.

با سرفرود آوردن جناح اصلاح طلب حکومتی در مقابل خامنه ای و دستگاه ولایت فقیه انتظار میرفت دور جدیدی از مناسبات میان جناحها شکل بگیرد. دورانی که "اعتدالیون" دو طرف از قرار امکان پیدا میکردند مبنای توافقتشان را تعریف کنند، به چهارچوبی برای تداوم بخشیدن به عمر کثیف رژیم اسلامی دست یابند و "چانه زنی" ها را در بالا و به دنبال نوری در انتهای تونل دنبال کنند. موسوی اطلاعیه ای خطاب به جناح راست و دستگاه خامنه ای صادر کرد که به دنبال راه حلی برای "خروج" رژیم اسلامی از بحران است. شرایط پنجگانه خودش را تعریف کرد. خامنه ای هم متعاقبا راه را نشان داد. اعلام کرد که باید مرز بندی روشن و بدون تفسیری در مقابله

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!